



کمونیست

ارگان مرکزی حزب کمونیست ایران

۵۰ ریال

۳۰ بهمن ماه ۱۳۶۳

سال دوم - شماره ۱۶

حوزه ها و

مبارزات جاری کارگران

مقدمه :

آنچه می خوانید متن معاچه ایست که اخیراً مدای حزب کمونیست ایران با رفیق منصور حکمت انجام داده است . در این معاچه درباره شیوه دخالت حوزه ها در مبارزات جاری کارگران و ملزومات رهبری این مبارزات نکات جدیدی مطرح شده بقیه در صفحه ۱۶

گزارش دفتر سیاسی به

پلنوم سوم کمیته مرکزی حزب

در ماه گذشته سومین پلنوم کمیته مرکزی ج.ک.ا. تشکیل شد . محور مباحث و دستور جلسات پلنوم را بررسی نکات و مسائل مطرح شده در گزارش دفتر سیاسی تشکیل میداد . کمیته مرکزی در مورد هریک از بخش های گزارش ، که جنبه های مختلف فعالیت حزبی را در بر میگرفت ، به بحث و تبادل نظر پرداخت و پس از وارد کردن برخی اصلاحات ، متن نهائی آن را به تصویب رساند . ما در اینجا متن این گزارش را ، با حذف نکاتی که عمدتاً از لحاظ امنیتی قابل انتشار نبود - و در متن با نقطه چین (...) مشخص شده است - درج میکنیم . لازم به تذکرات است که این گزارش توسط رفیق عبدالله مهدی به پلنوم ارائه شد :

رفقا !

گزارش حاضر ، گزارش تحلیلی دفتر سیاسی از عرصه های مختلف فعالیت حزب کمونیست است . به عبارت دیگر این گزارش عمدتاً بر مبنای ارزیابی و تحلیل فعالیت های حزب در دوره گذشته و در حال حاضر تنظیم شده و عرصه های مختلف فعالیت حزب را بررسی میکند و در این رابطه به ارگانهای اصلی حزب هم اشاره مینماید . این گزارش در عین بقیه در صفحه ۲

صفحه
۲۲

اخبار کارگری

در صفحات دیگر:

صفحه

- درسهای قیام بهمن را بخاطر بسپاریم ۲۱
- در کردستان انقلابی ۳۲
- گواهی باد باد جان باختگان راه سوسیالیسم ۳۹
- پاسخ به نامه ها ۴۵

گزارش مشروحی از

اعتصاب کارگران ذوب آهن

صفحه ۲۲

پیرامون درگیری های نظامی

گومه له و حزب دموکرات

صفحه ۲۲

کارگران جهان متحد شوید!

بقیه از صفحه اول

گزارش دفتر سیاسی به

پلنوم سوم کمیته مرکزی حزب

حال حاوی نظر دفتر سیاسی در باره خط مشی و سیاست محوری حزب در دوره آتی است.

دفتر سیاسی برای پاسخگویی به سوالات اعضای پلنوم در قبال این گزارش آماده است و در صورتیکه این سوالات به بخشها و دپارتمانهای مختلف و جزئیات فعالیت آنها مربوط شود از طرف مسئولین و دبیران مربوطه جواب داده خواهد شد. این راهم متذکر شویم که بنظر ما فعالیت خود دفتر سیاسی معنای یک ارگان و هر پیشنهادی برای کار آتی آن را تنها در متن این ارزیابی عمومی میتوان بررسی کرد.

دفتر سیاسی خواهان آن است که این گزارش مورد بحث و بررسی قرار گرفته و به تصویب پلنوم برسد.

مقدمه

رفقا!

حزب کمونیست در موقعیست معینی و بشیوه معینی بوجود آمد. این حزب در شرایطی بوجود آمد که تشکیلاتهای که بلافاصله بدنه آن را می ساختند - مانند تمام یا تقریباً تمام تشکیلاتهای سیاسی اپوزیسیون در ایران - شدت ضربه خود و از هم گسیخته شده بودند. علاوه امولا حزب

کمونیست با تکای کادره های پیشرو وجود آمد و بنا بر این کمونیسی بودن همه جانبه بدنه تشکیلاتی آن بهیچوجه نمیتوانست امری مسلم و بدیهی فرض شود. برعکس روشن بود که مناسبات، سنت ها و روشهای موجود باید تغییر یافته و جای خود را به مناسبات و شیوه های عملی کمونیستی بدهد. بنا بر این سیاست حزب در دوره اخیر باز سازی و توسعه، ساده، تشکیلاتها نبود، بلکه ساختن یک حزب واقعا کمونیستی، حزبی متکی به اصول، ثنوریهها و سبک کار و روشهای عملی کمونیستی و توسعه و تحکیم آن در میان کارگران پیشرو، هدف اصلی و محور سیاست های حزب در دوره اخیر قرار گرفت. طرح و تعیین این سیاست از طرف دیگر بر این درک ما رکیستی از نقش حزب پیشرو پرولتاریا - که سیر انقلاب ایران و نتایج آن یکبار دیگر صحت آنرا در عمل محک زده بود - مبتنی بود که سرنوشت انقلاب و سرنوشت مبارزه طبقاتی بر سر قدرت سیاسی از لحاظ پرولتاریا به حزب کمونیست، به صحت و استحکام اصولی سیاست های آن، به جلب قشر هر چه وسیعتر کارگران پیشرو به صفوف آن و به نفوذ هر چه وسیعتر آن در میان توده

های طبقه کارگر بستگی دارد. در پیش گرفتن این سیاست پس از تشکیل حزب کمونیست کاملاً طبیعی و منطقی بود، چرا که ادامه منطقی سیاستی از جانب مارکسیسم انقلابی بود که خود به تشکیل حزب کمونیست منجر شده بود. بنیاد داریم که خود تشکیل حزب کمونیست نیز حاصل فائق آمدن مارکسیسم انقلابی در مبارزه پیگیر و هدفمند خود بویژه بر علیه بوپولیسم بود، مبارزه ای که طی آن بوپولیسم به پهنه ها و بیان های گوناگون تلاش میکرد از شکل گیری حزب مستقل طبقاتی پرولتاریا جلوگیری نماید و در عوض اهداف محدود خود و کوتاه بینانه ای را در مقابل کمونیست ها مطرح می کرد. مارکسیسم انقلابی برخلاف پیش های بوپولیستی و کوتاه نظرانه، راجح در جنبش چپ ایران، مفتون آکسیونها و جست و خیزهای مقطعی نشد، به دنبال راهی از حرکات خود بخودی دل خوش نکرد، از انجام وظیفه همیشگی، اساسی و تاریخ ساز خود - که در عین حال در تحلیل نهائی سرنوشت هر نوع مبارزه و جنبش عملی کارگران را نیز تعیین مینماید - باز نماند و توانست حلقه اصلی در تکامل مبارزه طبقاتی پرولتاریا برای کسب قدرت سیاسی را - که همان حزب کمونیست و تحکیم و توسعه آن در میان کارگران است - بدرستی تشخیص دهد و بدست بگیرد.

بنابر این سیاست حزب تنها آنجا که روبه بیرون داشت، تحت عنوان کارگری کردن حزب

سیاست روشن پرولتری و نقد کمونیستی خودمان را درقبال آنان بهمان کرده و اشاعه داده‌ایم. ما بطور کلی نقد خود را از آنها بر محورهای درستی بنا کرده و در نقاط درستی بمقابله با آنها پرداخته‌ایم.

با این همه تبلیغ و ترویج ما دارای کمبودهای خاصی است که بطور کلی میتوان آنها را اینطور خلاصه کرد:

۱- هرچند ما سوسیالیسم را مداوماً ترویج کرده‌ایم، اما در تبلیغ آن بزبان ساده و معنا کردن عملی آن بزبان تبلیغی چندان موفق نبوده‌ایم. ما باید بتوانیم سوسیالیسم را بزبان ساده و تبلیغی مداوماً اشاعه داده و بهمان کنیم. اعتقادات اساسی و اهداف پایه‌ای حزب کمونیست درباره ضرورت و امکان نابودکردن سرمایه‌داری و مالکیت خصوصی، از میان برداشتن طبقات، نابرابریهای طبقاتی و دولت، جهانی بودن طبقه کارگر و مبارزه و اهداف او، برابری، حکومت کارگری و نظیر اینها باید مداوماً بطور زنده و ملموس تبلیغ شوند.

۲- تبلیغ ما در مورد رویزیونیسم بطور کلی و رویزیونیسم مدرن بطور مشخص ناقصی و ناکافی بوده است. باید تبلیغ بر علیه رویزیونیسم و بویژه رویزیونیسم مدرن را بطور جدی در دستور گذاشت و حزب و دولت شوروی را نیز بویژه در رابطه با رویزیونیست بودن و خیانت شان به امر طبقه کارگر و کمونیسم افشاء نمود.

۱- تبلیغ و ترویج ویا بطور کلی تبلیغات حزب

تبلیغات حزب ما در دوره اخیر در مجموع فعال، گسترده و منسجم بوده است. در عین حال ضعف‌ها و کمبودهای معینی داشته که باید برطرف شوند. چنانچه بخواهیم مقابله‌ای بعمل بیاوریم باید بگوئیم که حزب کمونیست فعالترین مبلغ در بین همه نیروهای اپوزیسیون بوده و ما دوره تبلیغی فعال، گسترده و برابری را پشت سر گذاشته‌ایم. بهمین قیاس چنانچه سازمان کردستان حزب راهم در نظربگیریم، فعالترین نیروی تبلیغی در میان همه نیروهای سیاسی اپوزیسیون گردیده است. رادیوهای حزب و نشریات متعدد حزبی در این مدت مداوماً حزب کمونیست، اهداف، شعارها و سیاست‌های آن را در میان پیشروان طبقه کارگر و توده‌های وسیع کارگر و زحمتکش نشان داده و تبلیغ کرده‌اند.

از آنجا که حزب ما جریانی است که در مبارزه ایدئولوژیک علیه رویزیونیسم، پوپولیسم و گرایشهای انحرافی دیگر آبدیده شده و دارای انجام نظری است، تبلیغات ما نیز در مجموع منسجم بوده و اشتباهات کمی داشته است. در رابطه با اپوزیسیون غیر پرولتری نیز تبلیغ ما موفق و موثر بوده است. ما بدون اینکه کوچکترین امتیازی با آنها داده باشیم،

یعنی جذب و جلب پیشروان و رهبران عملی جنبش کارگری به صفوف حزب خوانده شد و تا آنجائی هم که به درون صفوف حزب نظر داشت، بنام تحکیم آیدئولوژیک، سیاسی و تشکیلاتی حزب، متکی کردن فعالیتها، روشها، ارگانها و افغای حزب، به اصول و سبک کار کمونیستی، ابزار سازی و نقشه مندرکدن فعالیتها و ارگانهای حزبی نامیده میشد. تعیین و در پیش گرفتن این سیاست از جانب حزب کمونیست صحت خود را در عمل نشان داده و بنظر ما همان سیاستی است که در خطوط کلی خود باید راهنمای فعالیت‌های حزب در دوره آتی نیز قرار گیرد. این سیاست محوری بوده که فعالیتهای مختلف حزبی را معنا و جهت واحدی بخشیده و در حال حاضر هم درجه پیشروی ما در عرصه‌های مختلف در تحلیل نهائی باید با این معیار سنجیده شود.

عرصه‌های مختلف فعالیت حزب که بترتیب مورد ارزیابی قرار میگیرند، عبارتند از:

- ۱- تبلیغ و ترویج
- ۲- سازماندهی حزبی
- ۳- سازماندهی غیر حزبی
- ۴- مناسبات درون حزبی
- ۵- مبارزه شوربیک
- ۶- فعالیت بین المللی
- ۷- جنبش ملی در کردستان

۳- ما تا کتیک بمعنای گسترده آن یعنی بخش حداقل برنامۀ ضرورت سرنگونی جمهوری اسلامی توسط قیام توده‌ای و جاگزینی آن با جمهوری دموکراتیک - انقلابی، محتوای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی این جمهوری انقلابی را بخوبی تبلیغ کرده‌ایم. اما در مورد تاکتیک‌های ویژه کم‌کاری و تاخیرهای معینسی داشته‌ایم. برای مثال می‌توانیم از موقعیت جدید جنگ ایران و عراق و نقش‌کنونی این جنگ در سیاست‌های طرفین نام ببریم. (در این مورد دفتر سیاسی نظرات خود در قبال موقعیت کنونی جنگ و جمع‌بندی بحث‌های اخیر خود را بر مبنای همان خط‌مشی تاکتیکی اصولی مارکسیسم انقلابی در قبال جنگ فورموله کرده و اخیراً برای رفقا ارسال داشته‌است.) همچنین در مورد برخورد به مسائل شخصی جنبش‌کارگری نیز ما می‌توانستیم فعال‌تر باشیم.

۴- و بالاخره باید گفت که تبلیغ بر اساس نقشه عمل و سیاست‌های تبلیغاتی حول یک هدف با مبارزه معین هنوز در حزب ما جای خود را باز نگرده‌است و ما چه در داخل کشور و چه در خارج کشور در این رابطه ضعیف هستیم. حزب و ارگان‌های تبلیغاتی آن باید بتوانند در دوره‌آتی تبلیغ هدفمند، با نقشه و متمرکز را حول مبارزات و سیاست‌های

معین پیش ببرند و علاوه بر تبلیغ روتین، پروژه‌های تبلیغاتی معینی (فی‌المثل از مبارزه بر سر قانون کار اسلامی گرفته تا کوچ اجباری، تعرض ملکانه حزب دموکرات، آزادی زندانیان سیاسی و نظایر اینها) را از زمان دهی کرده و به‌سبب حصول آن بپردازند.

چنانچه بخواهیم بطور مشخص از حیطه‌ها و ارگان‌های تبلیغی حزب نام ببریم باید بگوئیم که: ۱- صدای حزب کمونیست ارگان تبلیغی موفق بوده و نقش اساسی را در تبلیغ توده‌ای اهداف، سیاست‌ها و شعارهای حزب کمونیست و در آموزش سوسیالیسم و اهداف پایه‌ای حزب کمونیست به قشر قزاق‌بندۀ هواداران جدید حزب ایفا کرده‌است. صدای حزب کمونیست علاوه بر این در خدمت به امر سازماندهی مان نیز جایگاه خاصی داشته‌است. صدای حزب کمونیست، در رابطه با کتل فعالیت‌های حزب کمونیست، نقش قابل‌ملاحظه‌ای را در شکستن جو انفعال در میان فعالین و کارگران پیشرو ایفا کرده‌است. این ارگان باید به‌بیمان تبلیغی سوسیالیسم و همچنین به‌برنامه‌های آموزشی و ترویجی اهمیت لازم را بدهد.

۲- "کمونیست" انتشار منظم کمونیست خود دست‌آورد شایان توجهی است. علاوه بر کمونیست در این مدت نقش‌آملی و اولیه

را در امر هدایت فعالین - از لحاظ طرح ایده‌ها، و رهنمودهایی که بعداً از طرف سایر ارگان‌های حزبی دنبال شده - ایفا کرده‌است. در مورد افشای اپوزیسیون بورژوازی و نیروهای اپورتونیستی نیز کمونیست نقش هدایت‌کننده سایر ارگان‌های تبلیغی را داشته‌است. با این‌وصف کمونیست نتوانسته همواره و در همه‌شماره‌ها آن خط‌آسای را که در سرمقاله کمونیست شماره ۲ بیان شده بود بخوبی به‌پیش‌ببرد. گویا اینکه در این موارد نیز مقالات کمونیست ارزش در خود داشته‌اند. کمونیست باید بطور دقیق‌تری به مسائل و معضلات جنبش کارگری، مسائلی که فراوری فعالین ما در شهرها قرار دارد و توضیح سبک‌کار کمونیستی بپردازد.

۳- صدای انقلاب به رادیکالی توده‌های وسیع مردم در کردستان تبدیل شده و جایگاه مهمی را در ارائه و تبلیغ سیاست‌های حزب کمونیست در کردستان احراز کرده‌است. صدای انقلاب باید بار و مضمون سوسیالیستی بیشتری را در خود منعکس کند، بایستی به‌طور جدی‌تری به آموزش و تبلیغ زنده و ملموس ایده‌های سوسیالیستی در میان کارگران و زحمتکشان کردستان بپردازد و در رابطه با مسائل جنبش ملی هم، باید بطور شفاف تر و برجسته‌تری صف مستقل کارگری را در

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

این جنبش منعکس و نما بندگی کند.

از طرف دیگر صدای انقلاب باید در رهبری و هدایت جنبش‌ها و مبارزات اعتراضی توده‌ها نقش موثرتر و هدفمندتری ایفا کند. بویژه داشتن پروژه‌های تبلیغاتی معین و متمرکز، و تکلیف روی کمپین‌های تبلیغاتی برای صدای انقلاب از اهمیت خاصی برخوردار است.

همچنین صدای انقلاب باید بطور خیلی جدی تری با ارگان تشکیلاتی و سازماندهی در کردستان مرتبط شود و در این رابطه فعالیت در خدمت سیاست‌های سازماندهی ما در کردستان قرار بگیرد.

۴ - "پیشرو" فارسی با وجود اینکه مقالات و نوشته‌های آن هر کدام در خود دارای ارزش است، اما اشکال اصلی آن این است که هنوز سیاست دوره‌ای معینی را تعقیب نمی‌کند و بنا بر این نتوانسته بطور هدفمندی کار کند. "پیشرو" باید نشریه‌ای باشد که نقش مروج - سازماندهی اصلی تشکیلات را بازی کند، مسائل و معضلات مشخص مبارزه طبقاتی پرولتاریا را در کردستان پاسخ دهد و باین ترتیب در نقش رهبر و راهنمای پراتیک فعالین ما در کردستان ظاهر شود. بعلاوه "پیشرو" باید در تحلیل وضعیت سیاسی و نظامی، ترسیم دورنما و چشم انداز،

تشخیص نقاط عطف جنبش و تعیین وظایف، اولویتها و سیاستهای حزب در کردستان در این دوره‌ها نقش رهبر فعال و قطب نمایی تشکیلات ما را در کردستان ایفا کند. واضح است که برای رسیدن به این موقعیت باید سیاست ناظر بر پیشرو بروشنی تعریف شود و محکم بدست گرفته شود، برای پیشبرد آن انرژی لازم تخصص داده شود، و نیز "پیشرو" آنچنان روابط فشرده و زنده‌ای با فعالین تشکیلاتی ما در کردستان و معضلات و موانع مشخص مبارزه طبقاتی که آنها دست بگیرد بناش هستند برقرار کند که او را قادر به پاسخگویی روشن و اصولی درقبال آنها سازد.

۵ - "پیشرو" کردی در تبلیغ و ترویج اهداف و اصول کمونیستی بطور کلی و دیدگاه‌های مارکسیسم انقلابی بطور مشخص بزبان کردی نقش موثری داشته و در بین پیشروان جنبش چپ در کردستان علی‌العموم تا ثیرات جدی بر جای گذاشته است. پیشرو از این پس باید بطور جدی تر و هدفمند تر در رابطه با اشاعه نظرات حزب و دیدگاه‌ها و سیاست‌های آن نقش خود را ایفا نماید.

۶ - اکتبر بعنوان نشریه کمیته خارج کشور حزب کمونیست توانسته اذهان را بسمت حزب کمونیست متوجه کند و تلاش کرده جای خالی تبلیغات حزب در بین ایرانیان خارج کشور را پر کند.

در رابطه با اکتبر باید گفت که این نشریه باید به تبلیغات مستقیم و افشاگرانه علیه جمهوری اسلامی توجه لازم را مبذول کند. بعلاوه بیان و لحن تبلیغاتی اکتبر باید بنحوی تصحیح شود که قادر باشد بشیوه مستدل تر و عمیق تری به اپوزیسیون بورژوازی و نیروهای اپورتو - نیستی برخورد نماید. در کل باید گفت که اکتبر باید بتواند در میان بخش هرچه وسیعتری از نیروها و عناصر انقلابی و چپ ایران در اروپا نفوذ کرده و توجه و علاقه آنها را بسمت حزب کمونیست جلب کند.

۷ - پیام بلشویک گرچه نشریه مستقلی است که توسط هواداران حزب کمونیست در خارج کشور تهیه و منتشر میگردد، اما بهر حال از آنجا که در رابطه با حزب کمونیست و در نا شهید و تبلیغ نظرات و سیاست‌های آن منتشر میشود، جا دارد که مورد اشاره ما قرار بگیرد. هر چند نقطه نظرات و سناستهای حاکم بر این نشریه بهتأسی مورد تأیید ما نیست، اما بهر حال باید این نکته مشتب را یادآور شد که این نشریه توانسته است طی فعالیت خود توجه احزاب چپ خارج کشور - بویژه اروپا - را به مارکسیسم انقلابی و حزب کمونیست ایران جلب نماید. در کل باید گفت که سیاست معرفی حزب کمونیست و مارکسیسم

برقرار باد جمهوری دموکراتیک انقلابی

و نیز بعلمت تغییر مکان کمیته های نواحی در کردستان هنوز موفقیت چندانی نداشته ایم . اما با توجه به نقش بزرگی که رادیوی حزب در این مورد ایفا کرده و هدایتی که کمیته سازمانده بر مبنای این سیاست بعمل آورده ، ما در مجموع موفق بوده ایم و هم اکنون حزب کمونیست میتواند از تشکیلات مخفی واقعی در شهرهای ایران و در میان کارگران صحبت بعمل بیاورد .

یکی از شاخص‌هایی که می‌تواند پیشرفت ما را در این مورد نشان دهد و موفقیت‌گویی ما را ترسیم کند ، حجم نامه‌هایی است که به حزب کمونیست می‌رسد (برای رادیو ، کمیته سازمانده ، ه.ت.و. . .) . تعداد نامه‌هایی که از آذرماه ۶۲ تا آذرماه سال جاری یعنی در فاصله دوپلوم فقط برای صدای حزب کمونیست رسیده بیش از ۲۰۰۰ عدد می‌باشد . و این فقط بخشی از نامه‌هایی است که برایمان ارسال شده چرا که قسمت قابل توجهی از آنها بدست ما نرسیده است . افزایش تعداد نامه‌ها نیز چشمگیر است : در آذرماه گذشته بطور متوسط روزانه یک الی دو نامه به رادیو می‌رسید ولی در آذر ماه سال جاری رادیوی ما هر روز ۱۰ الی ۱۲ نامه دریافت میکند . ذکر نامه‌های رسیده به رادیو صدای حزب کمونیست از این نظر در اینجا اهمیت دارد که کسانی که با رادیو تماس مکاتباتی می‌گیرند شنوندگان عادی ما نیستند بلکه بخش فعال

های دیگری هم که به ما رکنیسم انقلابی پیوسته بودند ، در دوره‌ای که حزب تشکیل می‌شد ، متحمل ضربات سنگینی از طرف پلیس شده و بعضاً از هم گسیخته شدند . بنا بر این در مقطع تشکیل حزب ما نه تشکیلاتهای مخفی متمرکز بلکه اساساً فعالین منفصل و بقایای تشکیلاتی داشتیم . سیاستی که حزب کمونیست از همان ابتدای تشکیل خود بعنوان سیاست رسمی خود در پیش گرفت ، سیاست سازماندهی محیط کار و منفصل و فعالیت در محیط کار و زیست کارگران و زحمتکشان بود . این سیاست برای حزب ابتدا به ساکن نبود بلکه منشاء آن در بحثهای سبک کار کنگره اول م. ک. قرار داشت و حتی از لحاظ تشکیلاتی نیز یک کمیته سازمانده قبل از تشکیل حزب بوجود آمده بود . بر مبنای این سیاست تشکیلات ما در دوره آتسی می‌بایست مرکب از حوزه‌های تشکیل شده در محیط کار و زیست کارگران و زحمتکشان باشد که بطور منفصل و ثانویه با مرکز هدایت حزبی ارتباط پیدا می‌کنند و توأم با آن توپخانه تبلیغ و ترویج حزب را توسط رادیو و نشریات کلیه ایسن حوزه‌های منفصل را مسوزد پشتیبانی و تغذیه قرار دهد . میتوان گفت که ما در این سیاست خود بطور نسبی موفق بوده ایم . با وجود اینکه در جزئی از این نقشه که عبارت از پوشاندن بخشهای مهمی از شهرها و محلات کارگری ایران بوسیله نشریات ریز بود ما بعلمت مشکلات مالی

انقلابی ، سیاست تحکیم و توسعه حزب در بین کارگران پیشرو ، سیاستی است که کماکان باید در تبلیغات ما مورد توجه جدی قرار داشته باشد . ارگانهای تبلیغاتی ما ، بویژه رادیو ، باید روی آوردگان جدید سوی حزب کمونیست را مداوماً مسوزد آموزش بوسیله بیستی قرار دهند و مخاطبین وسیعی را در این گونه آموزش‌ها در مقابل خود ببینند . سوادآموزشی که هم اکنون در آموزشگاههای حزبی تهیه و تدریس میشود ، میتواند و باید برای ارائه بیرونی آماده شوند و از طریق رادیوها و همچنین انتشار آنها ، در سطح وسیع تبلیغ و ترویج گردند . بطور کلی باید این را گفت که ما باید بتوانیم در تبلیغ و ترویج خود مبارزه همزمان دموکراتیک و سوسیالیستی را در جهت کسب قدرت سیاسی پیش ببریم .

۲ - سازماندهی حزبی

مبحث دوم سازماندهی حزبی است و این را در سطح سراسری ، کردستان و خارج کشور مورد بحث قرار میدهم .

در سطح سراسری ، همانطور که در مقدمه گزارش اشاره شد ، در آستانه تشکیل حزب کمونیست بخش مهمی از تشکیلاتهای مخفی نیروهای مارکسیسم انقلابی در شهرهای ایران در اثر ضربات پلیسی از بین رفته بود ، ما تعداد زیادی زندانی داده بودیم و عده‌ای از رفقا بناچار علنی شده و بکردستان آمده بودند . تشکیلات

و پیشرو شوندگان ما هستند که خواهان ارتباط تشکیلاتی - ولو در سطح ساده و اولیه اش مانند خبرنگاری کردن برای حزب - هستند.

شاخص معینی دیگری که می تواند رشد ما را در این دوره نشان دهد میزان اخباری است که ما از جنبش کارگری دریافت می کنیم. در ابتدای کار ما از کمبود اخبار کارگری شگوه می کردیم، در حالیکه در این اواخر در هیات تحریریه "کمونیست" این بحث وجود داشت که به علت حجم زیاد اخباری که داریم و صفحات زیادی که این اخبار در ارگان "کمونیست" اشغال می کنند، باید به فاصله هر پانزده روز یکبار بر مبنای اخبار کارگری، اخبار توده ای و اخبار جنبش کردستان خبرنگارانه یعنی ضمیمه خبری "کمونیست" منتشر کنیم. نه فقط حجم اخبار ما با گذشته قابل قیاس نیست بلکه در حال حاضر از مناطق و نواحی مختلف و غیر مرکزی هم اخباری بدست ما میرسد...

بطور خلاصه ما در حال حاضر میتوانیم از شبکه های ادامه کار تشکیلاتی حزب کمونیست در شهرها صحبت کنیم که وظایف حزبی خود را انجام میدهند، نشریات دریافت می کنند، ارتباط های منظم و ادامه کار دارند و حتی کمکهای مالی جمع آوری می کنند.

مساله قابل توجهی که در رابطه با تشکیلات شهرها میتوان ذکر کرد بافت این تشکیلات و ترکیب طبقاتی آن است. تشکیلات ما

امروزه از این لحاظ نسبت به تشکیلاتهای گذشته متفاوت بوده و دارای بافت عمدتاً کارگری و مرکب از کارگران و با انقلابیون مرتبط با طبقه کارگر و در محل کار و زیست آنهاست.

نکته قابل ذکر دیگری که در مورد تشکیلات مخفی شهرها باید بیان اشاره کرد اینست که چون در دوره گذشته، فعالین ما تحت سازماندهی منظم فعالیت میکردند و خودشان بوده اند که می بایست رهنمودهای اساسی را از "کمونیست"، رادیو و کمیته سازمانده گرفته و خلاقانه بکار ببندند و خودشان می بایستی جوایگوی مسائل ایدئولوژیک و سیاسی حوزه ها و محافل کارگری مربوط بخود و همچنین جوایگوی مسائل مالی، امنیتی، ارتباطی و غیره باشند. لذا رفقای هستند مستقل برای و متکی بخود.

این کیفیات را میتوانیم بعنوان دست آوردهائی که در این دوره در تشکیلاتهای شهرمان داریم، رویشان انگشت بگذاریم.

چه ملزومات و شروطی برای بهبود و ارتقاء فعالیت ما در شهرها وجود دارد؟

اول حفظ هماهنگی و ارتباط فشرده و دقیق بین کمیته سازمانده و رادیو است. این هماهنگی البته مدتی است که وجود دارد و تا شبر مثبت خودش را هم گذاشته است، گرچه می توانست زودتر از اینها بوجود بیاید و عرصه های گوناگون را شامل شود. دیگر اینکه کمیته سازمانده از این به بعد باید

بمسائل سیاسی وسیع کاری و آموزش فعالین ما توجه بیشتری بکند. کمیته سازمانده ما باید بتواند از خلال ارتباط و تماسی که با فعالین حزبی دارد و از طریق اطلاع پیدا کردن از مسائل، معضلات و موانع عملی و نظری که در پیش روی فعالین ما قرار میگیرد، بحث های پایه ای تر و اساسی تری را در این موارد دامن بزند، آن بحث ها را بخته کند، تصویر واقعی از مسائلی که تشکیلات ما در شهرها با آنها دست بگریبان است بدست دهد، رهنمودهای لازم را در موارد مختلف بدهد، مسائل و نیازها را با دفتر سیاسی مطرح کند و در حالت مطلوبش برای "کمونیست" بنویسد. این شکل مطلوب فعالیت کمیته سازمانده در دوره آتی است. سوم اینکه به آموزش فعالین ما دید وسیعی نگریسته شده و از طریق رادیو و انتشارات پیش برده شود. در این رابطه کمیته سازمانده باید مخاطبین بسیار وسیعتری از آموزشگاه های خود را در براسر خودش مشاهده کند. در مجموع میتوان گفت که کمیته سازمانده بایستی از این به بعد با افق وسیعتری به وظایفش نگاه کند، مسائل و معضلات مشخصی را که در مقابل تشکیلات ما و فعالین ما قرار دارد مورد ارزیابی و تحلیل قرار دهد و نظرات و تحلیلهای خود را برای توسعه و تحکیم فعالیت های تشکیلاتی حزب ارائه دهد. (بعنوان مثال از بحث "کمیته های انقلابی" که بهر حال برای فعالین ما مطرح بود گرفته تا

بررسی و شناخت شرایط مناسب برای تشکیل سازمان هرمی در شهرها)

علاوه براین ها باید به نکات ضروری دیگری در رابطه با تشکیلات مخفی در شهرها اشاره کنیم . یکی ضرورت سمت گیری بسوی صنایع بزرگ و نیرو گذاری در آنها و دیگری ضرورت سازماندهی و توسعه ارتباطات...

سازماندهی حزبی در کردستان

سازماندهی حزبی در میان کارگران و زحمتکشان کردستان ، علیرغم همه تلاشهایی که شده است ، عمدتاً بدلیل اینکه چه در خصوص انرژی و چه اولویت های رهبری ، تحت الشعاع مبارزه مسلحانه و ملی - دموکراتیک بوده ، با کندی بسیار پیش رفته و دست آوردهای مسورد انتظار را نرفته است . در یک سال گذشته پس از کنگره چهارم کومه له تلاشهای محسوسی در این راه بعمل آمده ، از تجدید سازمان کمیته های شهرها و توسعه کمیته بخشها گرفته تا سازماندهی مرکزی برای هدایت فعالیت مخفی در شهرها و در مناطق روستایی ، تلاش برای متکی کردن این فعالیت ها به نقشه های امولی ، تاکید روی سازماندهی حوزه ای در محیط کار و زیست کارگران و زحمتکشان و نظایر اینها . با همه اینها و با وجود روی آوری

وسیع کارگران و زحمتکشان به ما و افزایش درجه تشکل پذیری آنها و شکل گیری و ارتقا آگاهی طبقاتی در میان قشر پیشرو آنان ، واقعیت این است که ما در حال حاضر در کردستان ، در شهرها ، روستاها و کارگاه های مختلف فاقد سازماندهی حوزه ای و پایه ای حزبی قابل اتکا در میان کارگران و زحمتکشان هستیم و آنچه داریم ناقص و فاقد ادامه کاری است و با معیارها و استانداردهای کار حوزه ای تطابق ندارد . واقعیت این است که ما سازماندهی حزبی که ما اکنون در بین کارگران و زحمتکشان کردستان داریم ، بهیچوجه تاب مقاومت در برابر حوادثی که همواره در کردستان ما را تهدید میکنند و فعالیت ما را باخطر می اندازند ندارد . تشکیلات حزبی ما در بین کارگران و زحمتکشان بدرجه ای بسیار زیاد و خطرناک تابعی از جنبش مسلحانه است . این یک ضعف اساسی است که بایستی هر چه زودتر برطرف شود . سازماندهی حزبی باید بطور جدی در دستور اولویت های سازمان کردستان حزب قرار بگیرد . ما بایستی بتوانیم ضمن رهبری و پیشبرد جنبش مسلحانه و نیز با بهره گیری از امکاناتی که خود این جنبش مسلحانه بما میدهد ، سازماندهی حزبی در میان کارگران و زحمتکشان را توسعه

و تحکیم بخشیم بطوریکه طی دوره آتی بطور واقعی به حوزه های محل کار و زیست کارگران و زحمتکشان در شهرها و روستا های عمده متکی شویم . حصول چنین نتیجه ای در کردستان لازم است این است که ما پروژه جامع سازماندهی حزبی را داشته باشیم و مکان ، انرژی و اولویت لازم را از سطح رهبری سازمان حزب ما در کردستان گرفته تا سطوح مختلف تشکیلات برای آن قائل شویم . همانطور که دفتر سیاسی در دوره گذشته سیاست سازماندهی حزب را در شهرهای ایران تعیین کرده و بر اساس آن پروژه و نقشه عمومی فعالیت تشکیلاتی ما را طرح ریزی کرد و کلیه ارگانها و اتحاد تشکیلاتی ما جای خودشان را در این پروژه عمومی می یافتند ، در کردستان نیز ما باید شاهد چنین چیزی باشیم . نقشه فعالیت برای سازماندهی حزبی که بر اساس سیاست سازماندهی ما در دوره آتی در کردستان مبتنی است ، باید فعالیت حوزه ای و حوزه رادر کردستان بر مبنای همان اصول و پایه های کار حوزه ای ، و با توجه به ویژگی هایی که یک حوزه در شرایط کردستان میتواند داشته باشد ، تعریف کند و نقش و مکان ارگانهای تبلیغی مانند " صدای انقلاب " و " پیشرو " را در این رابطه روشن کند . مرکز با مراکز هدایت کننده تشکیلاتی

زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری!

ما در کردستان باید هر چه نقشه مندتر از ابزار رادیو استفاده کنید و ارگان ما در کردستان نیز بایستی کاملاً این سیاست را رادیکال کرده و نقش خاصی خود را در پیشبرد آن ایفا کند.

البته این بخش از بحث به حل مسأله عضویت در تشکیلات کردستان هم مربوط میشود و این مسأله ای است که در محفل مناسبات درون حزبی به آن اشاره می کنیم .

سازماندهی حزبی در خارج

کشور

واقعیت این است که در حال حاضر سازماندهی حزبی و غیرحزبی ما در خارج کشور تا حدودی با هم مخلوط شده و من بناچار ضمن صحبت هایم بایسن دومی هم میپردازم . رفقا می دانند که سازماندهی حزبی ما در خارج کشور تا کنون چیز چشمگیری نبوده و با موانع و مشکلات زیادی روبرو بوده است . اصولاً حزب ما و سازمانهای تشکیل شده در آن از لحاظ فعالیت در خارج کشور دارای سابقه طولانی و یا دارای تشکیلات واقعی موجودی نبودند . پس از تشکیل حزب ما هم بدلیل موانع و مشکلات عملی فراوان کمیته خارج کشور را بسیار دیر تشکیل دادیم . بطور کلی در تشکیلات خارج کشور، ما در واقع بر آنچه که بود اتکاء کردیم و آن هم عبارت از سازمان های هوادار نیروهای حزب در خارج کشور بود . کاری که ما آنوقت ، بلافاصله پس از تشکیل حزب کردیم ، این بود که اولاً برای تثبیت مباحث مربوط به

اصول فعالیت کمونیستی و سبک کار کمونیستی در میان هواداران مبارزه کنیم و از سوق یافتن آنها بسمت تبدیل به تشکیلاتهای دموکراتیک ناپیکیر و بسا آکادمیستی غیررزمنده تحت نام طرفداری از حزب کمونیست جلوگیری کنیم و در آنجا هم به اشاعه و تثبیت درک ضرورت تشکیلات مستقل کمونیستی بپردازیم . و ثانیاً هواداران مختلفی را که تا آن موقع به کومه له و ا.م.ک. مربوط بودند زیر چتر تشکیلاتی واحدی ، بطور منظم و جدی گرد آوریم . ما از هواداران حزب خواستیم که بطور متشکل و با نظم و تحت برنامه فعالیت کنند و حزب را مورد پشتیبانی متشکل و جدی قرار دهند .

ما حال میتوانیم بگوئیم که هر کدام از این اقدامات در خود پیشرفتی محسوب میشوند . اما خود این وضع بیانگر این واقعیت بود که حزب کمونیست در خارج کشور فاقد تشکیلاتی بود که بتواند وظایف حزبی خود را انجام دهد و ما باین واقعیت روبرو بودیم که وظایف و فونکسیونهای حزبی ، تبلیغ و ترویج حزبی ، بخش و توزیع نشریات ، جمع آوری کمیته های مالی ، ارتباطات ، و سایر وظایف حزب در خارج کشور، همه اینها از طرف رفقای غیرحزبی ، ولو بهترین هواداران حزب ، انجام میگرفت . ولی این مسأله بسا اصول حزبی و تشکیلاتی ما تناقض داشت : ما می گوئیم که

فونکسیونهای حزبی باید از طریق تشکیلات حزبی انجام بگیرند و تشکلهای جانبی ، هواداران و غیره نقش کمکی را در این رابطه ایفا کنند . در واقع ما بسن شکل حزبی و شکل هواداران معدلی گرفته بودیم و آنچه داشتیم ، یعنی سازمان هواداران حزب ، ترکیبی بود که هنوز تشکیلات حزبی محسوب نمی شد اما برای هواداری از حزب هم بیش از حد منقبض و در بسته بود . . .

مجموعه این مسائل بحثهایی را در دفتر سیاسی بیان کنید و سرانجام دفتر سیاسی طرحی را تصویب کرد که بر طبق آن تشکیلات حزبی در خارج کشور، تشکیلاتی که در رأس آن کمیته خارج کشور قرار دارد و متکی به تشکیلاتهای کشوری است ، سازمان داده میشود و هواداران حزب در هر کشور در پیرامون و در رابطه با آن فعالیت میکنند . برای سازماندهی این تشکیلات حزبی ما میتوانیم علاوه بر اعضای موجود حزب در خارج کشور به عضوگیری از میان بهترین هواداران تکیه کنیم . کمیته خارج کشور ما این طرح را پذیرفته و در مرحله پیاده کردن آن قرار دارد . بایسن ترتیب ما هم دارای تشکیلات حزبی اصولی و ادامه کار در خارج کشور خواهیم بود و هم دامنه هواداران حزب کمونیست را توسعه خواهیم داد .

این نکته اصلی در مورد سازماندهی حزبی در خارج کشور بود . مسأله دیگری که باز به

انقلابی کردستان پاسخ میدهد با سازماندهی چنین واحدها و هرمتقاضی اسلحه برگرفتن و شرکت در جنبش مسلحانه را که بخواهد تحت رهبری حزب ما در کردستان فعالیت کند سازمان میدهم، بدون اینکه این ضرورت تاکتیکی بر روی کیفیت

ایدئولوژیک - سیاسی نیروی

مسلح حزبی ما تاثیر بگذارد و آنرا پائین بیاورد. شرایط مساعد برای عملی کردن چنین طرحی نیز وجود دارد: تشبیهت کومه‌له بمنابه سازمان انقلابی پیشاهنگ در جنبش خلق کرد، ارتقاء روحیه مبارزاتی و مبارزات اعتراضی توده‌ها، روی آوری توده‌ها بمبارزه و بطور مشخص به کومه‌له. واضح است که در شرایط اعتدالی جنبش توده‌ای در ایران و یا در کردستان افتادن رژیم پشاهنشینی شکست در کردستان، این سازماندهی مسلحانه توده‌ای میتواند ابعاد توده‌ای عظیمی بخود بگیرد.

در خارج کشور سازماندهی غیرحزبی از انجمن‌های کشوری هواداران گرفته تا کمیته‌ها و تشکلهای مختلف دیگر را می

تواند در برداشته باشد. کمیته‌های کردستان نوعی از این کمیته‌ها هستند که با بتکار نیروهای حزب در خارج کشور حول پلاتفرم دفاع از حق تعیین سرنوشت و دفاع از جنبش انقلابی خلق کرد شکل گرفته‌اند. تشکلهای زمان نیز میتواند در خارج کشور از اقبال معینی برخوردار شود. همچنین کمیته‌های ویژه‌ای که برای یک کمیته معین کار برد

ترتیبیاتی موافقت داشت. بسا بر این چنین طریقی توسط کمیته خارج کشور در دست اجرا قرار دارد و رفقای مذکور بخشی از تشکیلات خارج کشور محسوب شده و تحت مسئولیت کمیته خارج کشور قرار دارند

۳ - سازماندهی غیرحزبی

در این محبت ما به سازماندهی غیرحزبی در کردستان و در خارج کشور میپردازیم.

یکی از مهمترین عرصه‌های سازماندهی غیرحزبی در کردستان شوراها هستند. این شوراها که در دوره کنونی اساسا ابزار اعتراض و مبارزه توده‌ها - و نه حاکمیت آنها - هستند، میبایست در فعالیتهای تشکیلات ما در کردستان بخوسی مورد توجه قرار گیرند. بعلاوه از آنجا که شوراها در کردستان نه شوراها کارگری بلکه شوراها مردمی هستند، لذا باید نوعی شکل یا سازماندهی را که ناظر بر تشکیل صف مستقل طبقاتی کارگران در این شوراهاست، مورد تاکید قرار داد.

در بعد نظامی، سازماندهی واحدهای مسلح توده‌ای در شرایط کنونی ممکن و مفید است. این سازماندهی مسلحانه که در حال حاضر بشکل واحدهای پشتیبان نیروی پیشمرگ کومه‌له میتواند عمل کنند، از دو لحاظ بمبارزه ما کمک می نماید: اول، خلوص حرب ما، خلوص بی‌سورگ، کومه‌له را تسهیل میکند و دوم، به نیازهای جنبش

سازماندهی در خارج کشور مربوط میگردد. مساله رفقای پیشمرگ زخمی است که به خارج اعزام شده‌اند. این رفقا تاکنون بطور طبیعی بخشی از تشکیلات کومه‌له محسوب میشدند و بنا بر این فرض بر این بود که تحت تنظیمات مرکزیت کومه‌له قرار دارند. ولی این نمی توانست شکل اصولی و ادامه‌کار فعالیت این رفقا در خارج کشور باشد. می بایست به این مساله جواب گفت که در مورد این رفقا چگونه وظایف و فونکسیونهای حزبی، تبلیغ و ترویج، جلب افراد به حزب، جمع آوری کمکهای مالی، برپا کردن جلسات، تشکیلاتی، گزارش دهی، حسابرسی، ارتقاء، تنبیه و تشویق و غیره، با این فاصله دور و مراقبت کم میتواند انجام بگیرد. وانگهی از لحاظ اصولی نیز این شیوه کار تشکیلاتی میتواند درست باشد که چنانچه فرد یا افرادی، نه برای ماوریت کوتاه مدت و ویژه، بلکه برای مدتتهای مدید از حیظه جغرافیائی تحت رهبری یک کمیته حزبی خارج شده و از لحاظ زیست و کار بطور ادامه کاری به حیظه جغرافیائی تحت رهبری یک کمیته حزبی دیگر میروند، از لحاظ انجام وظایف حزبیشان تحت تنظیمات آن کمیته قرار بگیرند. کمیته خارج کشور چنین پیشنهادی را در مورد رفقای پیشمرگ اعزامی به اروپا مطرح کرد. این پیشنهاد با تمسره‌هایی از طرف دفتر سیاسی پذیرفته شد. کمیته مرکزی کومه‌له نیز با چنین

دارند، باید مورد توجه ما قرار گیرند.

در مورد انجمنهای هواداران خط عمومی ما این است که به هر هواداری که ولو اندک قادر به کمک و هواداری از حزب باشد مجال شرکت داده شود. واضح است که در مقابل تشکیلات حزب باید محکم گرفته شود.

این راهم باید اضافه کرد که بخصوص انجمنهای هواداران باید بتوانند از امکانات علمی بخوبی استفاده کنند.

۴ - مناسبات درون حزبی

در این رابطه ما چهار موضوع را که در شرایط کنونی جای مهمتری را در میان بقیه مسائل درون حزبی اشغال می کنند، مختصراً مورد بررسی قرار می دهیم:

الف - سازماندهی ارگانهای نقشه مند و ادامه کار. در پهنسوم دوم کمیته مرکزی حزب کمونیست، سازماندهی نقشه مند ارگانها و ابزارهای تشکیلاتی ضروری و ادامه کار و متناسب با اهداف برنامه های سیاسی در دستور حزب قرار گرفت. اساس سمیت گیری ما در این مورد این بود که نه از زاویه رفع و رجوع و راه انداختن موقتی کارها بلکه از زاویه ایجاد ابزارهای تشکیلاتی ادامه کار و اصولی به این مقوله پرداخته شود. می توان گفت که بطور کلی و با وجود بروز مواردی از فرمانیسیم کار ما در این زمینه موفق بوده و دانش تشکیلات از فن سازماندهی در یکسال گذشته ارتقا یافته است.

ب - در مساله عضویت، بخصوص در تشکیلات کردستان حزب، ما با مشکلات، موانع و تناقضاتی روبرو هستیم. اشکالات و نواقصی که در عضوگیری در حزب کمونیست چشم میخورد و بویژه کمیت نازل کارگران و زحمت کشانی که هم اکنون در محیط زیست و کار خود به عضویت حزب درآمده اند، گواهان آن است که حزب ما به یک تعمق جدی در سیاست و شیوه عضوگیری نیاز دارد بنحوی که راه عضویت کارگران و زحمتکشان در حزب تسهیل شود. سیاست عضوگیری ما باید در پرتو سیاست عمومی تشکیلاتی یعنی کارگری کردن حزب، اقداماتی را در دستور قرار دهد که عضویت هر چه بیشتر کارگران و زحمتکشان آگاه در حزب کمونیست و از این طریق ریشه دو اندین در عمق زندگی و مبارزه طبقه کارگر را تسهیل کند. نکته دیگر اینکه کمیته خارج کشور حزب کمونیست مدتی است که تشکیل شده است و بنا بر این باید بتواند مستقلاً اعضاء جدید به حزب بپذیرد.

ج - گادرسازی. در حال حاضر مدرسه حزبی اکتبر دیگر به یک سنت جا افتاده حزبی تبدیل شده و موفقیت قابل ملاحظه ما را در زمینه گادرسازی نشان میدهد. اما در آموزش گادرها ما به ابزارها و شیوه های گوناگونی نیاز داریم. مدرسه حزبی اکتبر برد معینی دارد و گادرها را در سطح معینی آموزش میدهد. بنا بر این ما باید مکانیزمهای دیگر پرورش گادرها را نیز

شناخته و بکار بگیریم. مدرسه اکتبر ملزومات اولیه و ضروری برای تبدیل به یک گاد در حزبی را فراهم میازد. گادرها، بخصوص در سطوح بالا، در جریان مبارزه طبقاتی واقعی، بدست گرفتن مسئولیتها، مبارزه ایدهولوژیک و بحثها و پلمینگ های سیاسی رشد میکنند. در این رابطه باید مکانیزمهای مانند برگزاری سمینارها و کنفرانسها را که بحث وجدل و تبادل نظر و نیز فعالیت و فعالیت بیشتر گادرها را اصلی حزب را در حیات سیاسی و نظری حزب هموار می سازند، بکار گرفت.

نکته دیگر این که باید به حفظ گادرها - بویژه در کردستان - توجه جدی نمود. عدم توجه به این مساله تنها میتواند از کوشش نظری سیاسی و دراز مدت نهدین مبارزه ما و عدم درک اهمیت و مکان گادرها بحثها به ستون فقرات حزب و رهبران جنبش بوده ای فردا ناشی شود و زبان های چهران نا پذیری بسا وارد می آورد.

د - دفتر سیاسی. در رابطه با دفتر سیاسی و عملکرد آن در دوره گذشته باید به نکاتی از قبیل ضرورت تمرکز بیشتر آن بحثها به یک ارگان، ضرورت سازماندهی ارگانهای ستادی لازم، دادن وزن هر چه بیشتر به بحث های نظری و سیاسی در حزب اشاره کرد. در همین حال باید این را خاطرنشان کرد که تشکیل عهده عملی در عملکرد دفتر سیاسی فقدان یک رهبری متمرکز و فارغ از وظایف دپارتمانسی

بوده است که بتواند مجموعه مسائل حزب را در هر مقطع مد نظر داشته باشد و قادر باشد از مسائل جاری حزب فراتر رفته و حزب را بر مبنای تئزهای مربوط به رهبری کمونیستی هدایت نماید.

۵ - مبارزه تئوریک

در زمینه " موقعیت تئوریک حزب کمونیست و وظایفی که از این لحاظ در پیش روی حزب قرار دارد، سرفاله " به سوی سوسیالیسم " مقاله را بدرستی و بروشنی مطرح کرده است.

حزب کمونیست باید از لحاظ تئوریک پیشتاز باشد و نقشی را که مارکسیسم انقلابی در رابطه با جنبش چپ ایران بازی میکند، این بار در سطح بالاتری ایفا نماید. ما باید خصمه پیشرو نظری و تئوریک بودن مارکسیسم انقلابی را حفظ کرده و ارتقاء دهیم، چرا که پیروزی در مبارزه طبقاتی و انقلابی بدون شناخت و کاربرد صحیح تئوری و تحلیل مارکسیستی میسر نیست. ما باید بطور حدی به شوروی، رویزیونیسم مدرن، بحران جهانی سرمایه داری، تحسول مناسبات جهانی، انقلاب جهانی، انقلاب در کشورهای تحت سلطه و جنبش های آزادیبخش ملی در عمر ما، تروتسکیسم، کمونیسم چپ، اتحادیه های کارگری و

نظایر اینها بهر دایم . در پلمیک با گروه های دیگر، هر چند از زاویه درستی آنها برداخته ایم، ولی باید از این سطح فراتر برویم و با دست بازیدن به عرصه های نظری جدید، از سطح بالاتر و نیرومندتری با گروه های اپورتونیستی و رویز - یونیستی برخورد کنیم. ما تا بحال، همانطور که دیده ایم، یک شماره " به سوی سوسیالیسم " داشته ایم که با وجود ارزشمند بودن نظری و سیاسی آن، هنوز آن چیزی نیست که باید باشد. باید مکانیسمها و شیوه های را که بتوانند مبارزه نظری و ایدئولوژیک را در صفوف حزب شکوفا و بازور کنند تعریف کرد و بکار انداخت. راه حل، تا آنجا که از راه حل تشکیلاتی صحبت در میان است، پیش از هر چیز در تعریف و با جراد آوردن مکانیسم های برای بحث و تبادل نظر و پلمیک در میان کاردهای حزب است، چه بصورت سمینارها و بحث ها، چه بصورت فعال کردن اظهار نظر در نشریات علمی و با شکل دیگر. قدر مسلم این است که بدون اینکه ما سوخت و ساز نظری حزب را در کل بالا ببریم و کلا فعل و انفعالات تئوریک حزب و کاردهای اصلی آنرا بسطح بالاتری ارتقاء دهیم، فقط با تخمین افشاد بیشتر به هیئت تحریریه " به سوی

■ - به سوی سوسیالیسم، دوره دوم، شماره اول

سوسیالیسم " این مقاله نمی تواند راه حل خود را بیابد. و بالاخره هنوز بسیار جا دارد که صفوف حزب را به نقش تئوری و افت کنیم و نشان دهیم که کار بست تئوری بر پراتیک است که میتواند پیروزی ما را تضمین کند. درگیری زیاد تشکیلات با وظایف عملی گسترده، با ساختن حزب و مسائل تشکیلاتی، و با مسائل تاکتیکی بویژه در کردستان، زمینه ای است برای کم توجهی نسبت به تئوری و برای فراموش کردن مکان و نقش آن. حزب باید کوشش مداومی را برای تفهیم و تثبیت مکان تئوری در مبارزه انقلابی طبقاتی و کسب پیروزی نهایی بعمل آورد.

۶ - فعالیت بین المللی

این بخش از گزارش بسیار مختصراست و دلیل آنهم کم بودن پیشرفت ما در این زمینه است. این برای حزب ما کمبود مهمی است که باید بتواند آنرا برطرف کند. بهر حال تا آنجا که به روابط با گروه های دیگر مربوط میشود، میتوان باین نکات و موارد اشاره کرد:

- روابط ما در شکل مکاتبات و تبادل نشریات افزایش یافته و اینک علاوه بر گروه ها و معارف پیشین، حزب کمونیست چپ ژاپن، حزب مارکسیست - لنینیست آمریکا، پلانترم پرولتاریای انقلابی در هندو اتحاد کمونیست -

قطع جنگ، بیدارنگ، اعلام باید گردد!

حزب ما با آن درگیر است مورد بررسی قرار می‌دهیم و تحت این عنوان به چند مسأله اشاره می‌کنیم: حزب دموکرات و برخورد ما به آن، بیانیه «حقوق مردم زحمتکش در کردستان»، ضرورت تجزیه و تحلیل وضعیت سیاسی کردستان و سیر محتمل آن.

در رابطه با حزب دموکرات در یکسال اخیر ما کمبودهای معینی داشته‌ایم و باید نکات معینی را مورد توجه قرار دهیم: پیش از هر چیز باید گفت که تبلیغ ما در مقابل حزب دموکرات خصلت مستمر و پایداری نداشته و مقطعی بوده است. فقدان تبلیغ مستمر یک نقص کار ما بوده است. نقص دیگر کار ما این بوده که تحلیلهای خودمان را در قبال ماهیت حزب دموکرات و مواضع و سیاستها پیش

و بطور کلی مناسبات پرولتاریا و بورژوازی در کردستان و ویژگیهای آن تحلیلهایی که مصاد و مصالح آن هم اکنون وجود دارند، را آنطور که شایسته است بصورت مدون و مکتوب در نیاورده‌ایم. مکتوب کردن کامل و جامع دیدگاهها و نظرات ما رکن مهم انقلابی در مورد نقش بورژوازی کرد در جنبش ملی، مناسبات وی با پرولتاریا، نکات کلیدی مناسبات و چشم انداز آن، نقاط گرهی اختلاف، سیاست ما در قبال وی، همه اینها سطح درک عمومی صفوف حزب کمونیست در کردستان و توده‌های انقلابی و پیشرو را بالا میبرد و عمق می‌دهد. تدوین و انتشار چنین تحلیلهای و نقطه نظرانی، علاوه

بر ضرورت است. باید با مهمترین و جدیدترین مباحث جنبش کمونیستی جهانی، با فراکسیونها و جریانات مختلف آن، آشنا شد و نیز مسائلی را که ما رکن مهم انقلابی ایران می‌خواهد طرح کند در این عرصه‌ها مطرح نمود. بعلاوه در رابطه با این مبحث ما معتقدیم که حزب ما با یستی خودش را بمسائل بین المللی بیشتر و جدی تر از این معطوف کند. اما این خود ممکن نیست مگر اینکه رهبری حزب در این راه پیشقدم شود و با عطف توجه، وانعکاس و بروز دادن این توجه در نشریات و مباحث علنی اش، شرایطی فراهم آورد که در آن کل تشکیلات حزب و کادرهای آن به توجه و بررسی در مسائل بین المللی معطوف گردند.

مطابق قرار پلنوم گذشته می‌بایست یک مرکز اطلاعات بین المللی در جوار کمیته خارج کشور و بمنوا ن بخشی از فونکسیونهای آن ایجاد شود تا از این طریق حزب و رهبری آن بتوانند مستمرا از اخبار روگزارشهای مربوط به جنبش کمونیستی و کارگری در جهان مطلع شود و در جریان تفهیم و تحولات فکری و سیاسی آن قرار گیرد. چنین مرکزی در نقشه عملهای مربوط به سازماندهی کمیته خارج کشور پیش بینی شده و در دستور این کمیته قرار دارد.

۷ - جنبش ملی در کردستان

ما جنبش ملی در کردستان را بعنوان یک عرصه تاکتیکی که

لیننیستهای الجزایر از دیگر سازمانهای هستند که به روابط ما افزوده شده‌اند.

باید توجه داشت که مجموعه این روابط محصول شرایطی است که تاکنون از جانب ما سیاست فعالی برای ایجاد و بسط روابط اتخاذ نشده و این سایر سازمانها بوده‌اند که مبتکر ارتباط با ما بوده‌اند.

البته هدف گزارش فعلی دفتر سیاسی این نیست که گروهها و سازمانهای را که از طرف کمیته خارج کشور مطرح شده‌اند، مورد ارزیابی قرار دهد، بلکه در واقع می‌خواهد فعالیت حزب را در این رابطه ارزیابی کند. بطور کلی حداکثر کاری که ما در مورد مناسبات با گروههای کمونیستی خارجی کرده‌ایم، در حد کسب شناخت از گروهها و جریانات مختلف بوده است و خود این کار را نیز هنوز بطور کامل انجام نداده‌ایم. هنوز در سطح رهبری حزب ما شناخت شوریک کافی از گروهها و جریانها شکل نگرفته و تحلیل و نقد آنها بشکل منجمدی در نیامده است. در کل میتوان گفت که ما هنوز پیشرفت چشمگیری در این زمینه نداشته‌ایم و تازه در ابتدای کارمان هستیم. کاری که کرده‌ایم این بوده که تلاش شده این تماسها که قسمت اعظم آن از طریق هواداران و سازمان هواداران انجام میگرفت، از طریق خود حزب یعنی کمیته خارج

کشور صورت بگیرد. بی شک تماس و ارتباط فشرده تر با گروههای کمونیستی هر چه بیشتر یک

بر این که پراستیک سیاسی فعالین ما و نوده‌های پیشرو را هدایت میکند، دست‌آوردهای پرولتاریا را در مقابل بورژوازی و در شائبه‌نوردی بورژوازی کسود، تثبیت میکند بنحوی که نتواند مورد عقب‌نشینی و پس‌رفت قرار گیرد. باید دوره‌های جدیدی را که بوجود می‌آیند و تغییر و تحولات جدیدی را که در مناسبات میان ما بیدار میشوند مورد سزیه و تحلیل قرار داد و در هر دوره از مواضع و موقعیت سیاسی، توان و بیا یگانه‌توده‌های حزب دموکرات‌ارزیابی واقعی بدست داد و باین ترتیب از بروز یا سیقیم راست‌وچپ جلوگیری نمود. مقاله، دیگری که باید آن اشاره کرد فقدان قطعنامه ای است که خطوط اساسی سیاست ما را درقبال حزب دموکرات فرموله کند. در گذشته و در مقطع معینی وجهی از سیاست کومهله درقبال حزب دموکرات که مربوط به شرایط و چگونگی همکاری و اتحاد عمل میشد فرموله گردید. هر چند آن قطعنامه در نفس خود درست بود، اما بخاطر اینکه در غیاب قطعنامه‌ای کلی‌تر، اساسی‌تر و جامع‌تر که کل مناسبات کومهله و حزب دموکرات را تبیین کند و کل سیاست پرولتاریا را در مقابل بورژوازی کرد نشان دهد، عنوان شده بود، لذا تنها میتوانست تصویب نا کاکلی از مناسبات احزاب سیاسی درکردستان بدست دهد. بطورکلی باید گفت که حزب ما درکردستان باید سیاست خود را

درقبال حزب دموکرات جا معتر، عمیقتر و فعالتر طرح نماید. اینجا باید بمساله دیگری که جنبه عملی دارد نیز اشاره کرد و آن اینکه از این پس فاکتور حزب دموکرات بمشابه یک عامل نامساعد، بایسد در کلیه محاسبات ما درکردستان منظورگردد. از تدریس در آموزشگاه بنیمرگان و برناممه ریزی برناممه‌های صدای انقلاب نا ثریات، دستورالعملهای تسلیفی برای مسلحین ثغاهی و نا نقل و انتقالات و حرکات نظامی، استقرار یا تخلیه واحدها در یک منطقه و بطورکلی در کلیه فعالیت‌های مهم و قابل توجهی که سازمان کردستان حزب کمونیست انجام میدهد، این فاکتور باید بحاسبه دربیاید. وبالآخره باید به نقشی که بیانیه حقوق مردم زحمتکش در کردستان در مناسبات ما و حزب دموکرات میتواند ایفاء کند اشاره کرد. میتوان و بایسد بدون اینکه تبلیغ و ترویج ما در کردستان درقبال حزب دموکرات مضمون و محتوای طبقاتی و سیاسی خود را کاهش دهد و بدون اینکه اختلافات بنیادی ما با حزب دموکرات، مانند هر حزب بورژوازی که خواهان حفظ مالکیت خصوصی و مناسبات سرمایه‌داری است و نیز اختلافات ما بر سر دموکراسی انقلابی، حاکمیت توده‌ای و بطور کلی مضمون اجتماعی و طبقاتی و سیاسی خودمختاری بفراموشی سپرده‌شود، بیانیه حقوق زحمت‌کشان را در مرحله کنونی به

محوری برای تبلیغ و افشای خصوصیات و سیاستهای بوروکرا. یک حزب دموکرات و به وسیله‌های برای آگاه کردن و بسیج زحمت‌کشان برای دفاع از حقوق پایهای شان در مقابل زورگوشی‌ها و اعمال ضد دموکراسیک این حزب تبدیل نمود. اما اگر بیانیه حقوق زحمتکشان می‌تواند ابزار مبارزه و ترسیم نمایز ما با حزب دموکرات در انظار توده‌ها باشد، درعین حال تحت شرایطی میتواند پایه همکاری ما با این حزب نبیست قرار گیرد. باین ترتیب ما به وحدت‌خواهی توده‌های کردستان نیز جواب انقلابی و اصولی داده ایم.

مساله دوم بیانیه حقوق

مردم زحمتکش درکردستان است. بیانیه حقوق زحمتکشان سندی است که اهمیتش از یک دوره و یک مقطع فراتر میرود و بایستی مورد تبلیغ وسیع و هدفمندی قرار بگیرد. در هر کوی و محله شهرهای کردستان، در هر روستای آن، در مجمع عمومی‌هایی که تشکیل میشود، درتبلیغ خانه به خانه، باید توده‌های کارگر و زحمتکش و همه مردم شرافتمند و آزادیخواه را به قبول این بیانیه و دفاع علنی از آن و اتخاذ آن در هر سطحی که مقدور است فرا بخوانیم. باید توده‌ها را به مطالبه صریح و پیگیر مواد این بیانیه از نیروهای سیاسی موجود درکردستان و از رژیم جمهوری اسلامی جهت قبول و مراعات عملی این حقوق پایهای

فراخوانیم . تشبیت و جایگیر کردن آن در ادهان توده‌های زحمتکش و تفهیم بند بند مطالبات آن و تبدیل آن به مطالبات خود توده‌ها ، سطح توقعات توده‌های زحمتکش و سطح دموکراسی را در کردستان بطور کلی بالا میبرد و

یومین نکته که دفتر سیاسی معتقد است باید از جانب سازمان کردستان حزب کمونیست بعنوان یک امر مهم با آن توجه شود ، تجزیه و تحلیل وضعیت سیاسی کنونی کردستان و سایر محتمل آن و تعیین اولویت‌ها در هر دوره است .

رهبری حزب و از جمله و بویژه کمیته مرکزی کومه له باید در هر مقطع دورنما و تصویر روشنی از اهداف مرحله‌ای و خصوصیات پایه‌ای پراتیک ما در این جنبش در ابعاد نظامی ، سیاسی و

نه فقط جمهوری اسلامی بلکه بورژوازی کرد را نیز در دست اندازی بحقوق توده‌ها دچار شکننا میزند ، این بیانیه می تواند عاملی باشد برای اینکه صف بندی های جدیدی بر مبنای دموکراسی انقلابی و منافع زحمتکشان از یکطرف و سیاست و منافع بورژوازی از طرف دیگر شکل بگیرد . در عین حال این بیانیه میتواند مبنای برای همکاری و اتحاد عملهای مختلف با این پارتی نیرو باشد . همچنین مواد این بیانیه ، بدون مقدمه

تشکیلاتی ، تناسب هوای طبقات و احزاب سیاسی ، روند توسعه مناسبات و تضادهای موجود در این جنبش ، و سایر محتمل اوضاع در مقابل فعالین حزب و توده‌های کارگر و زحمتکش ترسیم کنند . موقعیت ویژه کنونی انجام این وظیفه را بسیار مبهم و حیاتی ساخته است . بعلاوه وظایف پایه‌ای حزبی که بردوس سازمان کردستان حزب است و نیز شرایط ویژه‌ای که حزب ما در مقطع کنونی در جنبش انقلابی در کردستان با آن مواجه است ، ایجاد میکند که اولویت‌های اصلی فعالیت ما بر مبنای تحلیل خصوصیات اساسی دوره تاکتیکی موجود تعیین شود و انرژی و توجه کمیته مرکزی کومه له بر حساب این اولویت‌ها به امور مختلف تخصیص داده شود

دیماه ۶۲

بقیه از صفحه ۲۵

حوزه‌ها و مبارزات جاری کارگران

و تشویریک عمیق تر خواهند شد و تبدیل به بهره‌های حیاتی‌ای برای شکل‌دان به جنبش سوسیالیستی طبقه و اعمال رهبری کمونیستی برجانبش کارگری خواهند شد .

ما باید آگاه‌ترین و پیشرو ترین این رهبران عملی را به صفوف حزب جلب کنیم . اما شرط لازم این امر ، اگر نخواهیم نفس غرض کرده باشیم ، اینست که پس از پیوستن به حزب و کار تحت رهبری کمیته‌های حزبی نیز ، این رفقا بتوانند اولاً

نفس علنی خود را بعنوان رهبر و مبلغ بازی کنند ، و ثانیاً فعالیت این رفقا ادامه‌کاری حوزه حزب را به مخاطره نیفتکند ، همانطور که فعالیت حوزه حزب نباید امنیت و ادامه‌کاری این رفقا را به مخاطره بیندازد . بنا بر این باید رابطه ویژه و ظرفی میان ایندسته از رفقا با حوزه‌های مخفی برقرار شود . ما باید همانطور که درباره وجوه دیگر سبک کار حوزه‌ها با دقت و تعمق کار کردیم ، جزئیات را برای خودمان روشن کردیم و نقشه خودمان را بر این تحلیلها استوار کردیم ، در تعریف نقش عنا صرعلنی در حزب هم دقیق بشویم و جنبه‌های مختلف این فعالیت

قدرت طبقه کارگر

در تشکل اوست

نسخه از صفحه اول

حوزه‌ها و

مبارزات جاری کارگران

است، از اینرو ما چاپ آنرا در ادامه مقاله‌ای که تاکنون در این باره داشته‌ایم، مفید و ضروری دیدیم. در شعاره‌های آینده، کمونیست جنبه‌های مختلف سبک کار حوزه‌ها در زمینه دخالت عملی در مبارزات کارگری و مشخصاً، همانطور که در این محاسبه نیز اشاره شده است، جایگاه فعالیت علمی در هدایت این مبارزات را بیشتر مورد بحث قرار خواهیم داد.

- بیشترین رهنمودهای ما در این دوره خطاب به رفقا و فعالین حزب در شهر حول محور ایجاد حوزه‌های حزبی در محیط زیست و کار کارگران و زحمتکشان، و ایجاد و گسترش تشکیلات حوزه‌ای حزب در میان کارگران دور می‌زده است. در عین حال شاهدیم که طی همین دوره مبارزات و اعتراضات کارگری به اشکال مختلف جریان داشته و دارد. سیاست ما مبنی بر گسترش و تحکیم تشکیلات حزب چه ارتباطی با این مبارزات و اعتراضات و امر رهبری این مبارزات پیدا می‌کند؟ به عبارت دیگر، ما تا چه حد و در چه شکالی در امر رهبری این اعتراضات فعال می‌شویم و آیا دخالت در رهبری این مبارزات با هدف دوره‌ای ما برای تحکیم و گسترش تشکیلات حزبی در میان کارگران در تقابل قرار می‌گیرد؟

- همانطور که گفتید مهمترین وظیفه‌ای که امروز بر عهده رفقای ما در شهرهای مختلف ایران است گسترش تشکیلات حوزه‌ای حزب در میان کارگران آگاه و پیشروست. یعنی متشکل کردن آگاه‌ترین و پیشروترین کارگران در حوزه‌های حزبی در کارخانه‌ها و محلات. این برای ما اولویت تعیین کننده دارد و اهمیت آن را هم بطریق مختلف قبلاً از طریق نشریات و رادیوهای حزب توضیح داده‌ایم. اما سوالی که شما مطرح می‌کنید هم بسیار جدی است. سوال اینست که چه رابطه‌ای بین این وظیفه پایه‌ای ما با امر دخالت کردن فعال در رهبری مبارزات و اعتراضات موجود کارگران برقرار می‌شود. آیا سازمان دادن تشکیلات حوزه‌ای حزب در بین کارگران در تقابل با پرداختن به مبارزات جاری، بخصوص قرار گرفتن در موضع رهبری این مبارزات است؟ یعنی آیا باید بین این دو یکی را انتخاب کرد؟ آیا پرداختن به یکی مستلزم دست کشیدن از دیگری است؟ و اگر اینطور نیست، رفقای ما به چه شکالی می‌توانند ضمن ادامه فعالیت پایه‌ای خود، در عین حال برخورد فعالی هم به مبارزات جاری کارگری داشته باشند؟

تا آنجائی که مساله به حزب

کمونیست ایران به عنوان یک کل، یک مجموعه، مربوط می‌شود، نه تنها تقابلی در کار نیست، بلکه سازماندهی حزبی و حوزه‌ای و دخالت در امر رهبری مبارزات جاری و موجود کارگری، اساساً لازم و ملزوم یکدیگرند. ما بارها گفته‌ایم که رشد تشکیلات حزب در میان کارگران، اردیباد و گسترش حوزه‌های حزبی، شرط لازم شکل گرفتن یک رهبری انقلابی و ادامه کار در بین کارگران است. بدون تشکیلات حزبی دخالت در رهبری مبارزات اقتصادی و اعتراضی کارگران اصولاً مقدور نیست و هرگامی که رفقای ما در گسترش تشکیلات حوزه‌ای حزب برمی‌دارند ما را بطور واقعی گامها به تا مین این رهبری و تقویت و گسترش مبارزات اعتراضی کارگری نزدیک تر می‌کند. از طرف دیگر نفس دخالت در هدایت مبارزات جاری هم خود نقش بسیار مهمی در گسترش تشکیلات حزبی در میان کارگران دارد. نمی‌توان حزب کمونیستی را تصور کرد که نسبت به مسائل موجود و مبارزات جاری کارگران، که نه تنها کارگران و پیشروان آنها را در مقیاس هزارها نفر بخود مشغول میکند، بی تفاوت باشد و انتظار هم داشته باشد که سازمان حزبی اش به سرعت گسترش پیدا کند. حزب ما که باید حزب متشکل کننده کارگران پیشرو باشد، باید حزبی باشد که ضمن تلاش برای متشکل کردن کارگران آگاه بر مبنای منافع پایه‌ای و طبقاتی، به مشغله مبارزاتی جاری آنها نیز پاسخگو باشد.

سج حزبی درجداشی از مبارزه و اعتراض واقعا موجود در جامعه ساخته نمیشود. بنا براین روشن است که کل حزب، یعنی حزب به عنوان یک کل، باید هم بهیکره سازمانی خودرا گسترش بدهد و هم در نقش رهبر مبارزات کارگری ظاهر شود. وهما نظور که گفتم ایندو وجه، مکمل و لازم و ملزوم یکدیگر هستند.

اما آنچه در باره کل حزب، با به عبارت بهتر، حزب بعنوان یک مجموعه، صدق میکند، الزاما در باره هر جزء و اندام حزب صدق نمیکند. آنچه که برای کل حزب درست است، الزاما به همان صورت و با همان بیان برای یک حوزه حزب در محیط کارگری درست نیست. اگر سازماندهی حوزه های حزبی از یکسو، و رهبری مبارزات جاری از سوی دیگر، اجزاء مکمل سیاست حزب هستند، وقتی به عملکرد حوزه های پایه می رسم، اینها دیگر بطور واقعی ممکن است در دوره هایی با هم تقابل پیدا کنند.

ممکن است رفیقی بپرسد که آیا واقعا ممکن است تلاش برای در دست گرفتن رهبری یک شرکت، به کار پایه ای حوزه های مالطه بزنند؟ بله، متاسفانه در شرایط کنونی این کار ممکن است. چون دخالت در رهبری مبارزات جاری کارگری نیازمند بوجود آوردن ملزوماتی است که حوزه های مالزاما از آن برخوردار نیستند. آن کسی که می خواهد بطور واقعی علاوه بر رهبری رادحرکات اعتراضی

موجود کارگران بکنند، باید قبل از هر چیز به فکر فراهم کردن این ملزومات باشد. ما حوزه هایی نمی خواهیم که یکبار در یک اعتصاب خوش بدرخشند و بعد صحنه را برای مدت طولانی خالی کنند. ما می خواهیم یک تشکیلات حزبی، متشکل از حوزه های در بر گیرنده کارگران کمونیست درست کنیم که بطور ادا مه کاری رابطه حزب و طبقه را برقرار نگهدارد، بطور ادا مه کاری رهبری قاطع، انقلابی و هوشمندی برای بخشهای مختلف جنبش کارگری باشد، بطور ادا مه کاری مبارزات جاری را به عرصه ای برای جلب پیشرو ترین و آگاه ترین کارگران به حزب تبدیل کند و بطور ادا مه کاری قدرت کارگران را در مبارزه سیاسی و اقتصادی افزایش بدهد. خلاصه کنیم حزب ما باید بتواند نه فقط رهبر و سازمانده جنبش طبقه کارگر برای سوسالیم، بلکه همچنین اصولی ترین وقاطع ترین رهبر در مبارزاتی باشد که کارگران بطور روزمره برای بهبود شرایط کار و زندگی شان در همین نظام موجود به آن دست می زنند. بنا براین طبیعی است که ما در این دوره الویست خودمان را این قرار بدهیم که چنین تشکیلاتی را بوجود آوریم. وهمین راه مینمای دخالت جدی و فعال در امر رهبری مبارزات جاری کارگران بدانیم. بهر حال اگر بخوایم حرفم را خلاصه کنیم باید بگویم که اول ما به عنوان یک حزب هیچگاه امر گسترش و تحکیم تشکیلات حزب در

بین کارگران را از امر مبارزات جاری اعتراضی کارگران جدا نکرده ایم. ما رابطه این دوماه را دقیقاً میدانیم و در دیدگاه عمومی سیاسی خودمان هیچ تقابلی و تناقضی بین این دو امر، بین این دو وظیفه نمی بینیم. ثانیا از لحاظ سیاسی نحوه و هدف دخالت ما، با زبعتوان یک حزب، در امر رهبری مبارزات جاری روشن بوده است. شعارها و تاکتیک های ما روشن است، و اگر در مواردی کمبود داریم میدانیم که باید روی آن کار کنیم. می دانیم دخالت ما در مبارزات جاری باید به چه چیزی منجر شود. به گسترش پیوند سیاسی و تشکیلاتی حزب و طبقه، به استحکام و پیشروی خود جنبش اعتراضی و به روی آوری بخش هر چه پیشتری از کارگران به مبارزه و تشکیلاتی بطور کلی و تشکیلاتی بطور خاص. اما آنجا مساله پیچیده میشود که ما به مساله رابطه حوزه ها، یعنی اجزاء معینی از حزب با مبارزات جاری می رسم. آنهم در مقطع معینی که شالوده تشکیلاتی حزب محکم و به اندازه کافی گسترده نیست. اینجا ما می گوئیم که تا آنجا که به کار حوزه مربوط میشود دخالت در رهبری مبارزات جاری دیگر به این سادگی نیست، بلکه نیازمند بوجود آوردن مقدمات و ملزوماتی است که در دنیای واقعی این دخالت را ممکن میکند. این ملزومات را باید بطور جدی بوجود آورد.

- این ملزومات کدامند. حوزه های ما باید چه زمینه هایی

رافراهم کنند. تا عملاً قادر به دخالت فعال در رهبری مبارزات جاری کا رگری باشند؟

- ما قبلا هم ، چه در مقالات نشریه کمونیست و چه از طریق رادیو و همینطور در درون حزب ، تا حدود زیادی به این مسائل اشاره کرده ایم . من فهرست وار به روش آنچه گفته ایم اشاره میکنم و بعد به یک نکته گمابیش جدید ، که بمنظر من اهمیت تعیین کننده ای در پیشرفت کار حوزة ها در این زمینه دارد می پردازم . اولین شرط ظاهرا هشدن به عنوان رهبر مبارزات کا رگری ، داشتن سیاست و خط مشی سیاسی در این مبارزات است . ما باید تاکتیک های خودمان را در قبال مسائل مختلف جنبش کا رگری روشن کرده باشیم ، شعارها یمان را تعیین کرده باشیم ، دور نما و افق این مبارزات و توان بالفعل و بالقوه هر آکسیون اعتراضی را بشناسیم و بالاخره رابطه مبارزات موجود ، یعنی مبارزاتی که بهر حال برای اصلاحاتی در وضع کارگران و با محیط سیاسی و اقتصادی جا معه است ، را با مبارزه انقلابی کارگران کمونیست برای رهاشی قطعی درگ کنیم و در جزئیات معنی کنیم . ما در مبارزات جاری بی خط نیستیم ، ما جریانی نیستیم که دلش را به این خوش کند که در اعتراضات کا رگری شرکت میکند . ما سیاست معین و پیگیری را در این مبارزات دنبال میکنیم . آنگاه کردن کارگران به منافع واقعی خود ، تصحیح شعارها و اهداف این مبارزات ،

گسترش تشکل پذیری بطور کلی و سازمانیایی کمونیستی بطور اخص در بین کارگران ، بالا بردن اعتماد به نفس مبارزاتی و روحیه مبارزاتی کارگران از طریق گرفتن خواسته های برحق شان و بهبود واقعی شرایط کار و زیست کارگران . دنبال کردن این اهداف است که ما را از تردیدونیونیستها و اکونومیست ها متمایز میکند . بنا بر این قبل از هر چیز حزب بطور کلی و حوزة ها به متناهی جزء و سلولهای پایه ای حزب باید بینش و شناخت لازم برای رهبری مبارزات را داشته باشند و در این امر چنان محکم باشند که آنها باشند که مبارزات را رهبری میکنند و نه موج آکسیونها که آنها را دنبال خود می کشند . بعلاوه دخالت در مبارزات جاری مستلزم آنست که رفقای ما که از نزدیک با این مبارزات در تماسند روی مسائل عملی تر رهبری مبارزه ما حینظرباشند ، تجارب لازم را کسب کرده باشند تا بتوانند نقش خود را بطور جدی بازی کنند . در زمینه ملزومات سیاسی ما کمتر بین اشکالات را داریم . این عرصه ای است که با توجه به وجود برنامه حزب ، مطالبات حداقل حزب ، شعارها و قطعنامه های تاکتیکی حزب ، بیشتر روی آن کار شده است و در آینده هم مانع خاصی برای تدقیق بیشتر آنها وجود ندارد .

اما ملزومات عملی و تشکیلاتی رافراهم کردن امروز برای ما کار دشوارتری است و به صرف

انرژی زیادتری نیاز دارد . ما قبلا در مقالاتی نظیر آکسیونیم در حوزة های کم نفوذ ، محافل شرویح کارگری ، و دیگر مقالات نشریات و برنامه های رادیو به بخش زیادی از این ملزومات اشاره کرده ایم . آن واحد تشکیلاتی کمونیستی که میخواهد در موضع رهبری مبارزات جاری قرارگیرد باید اولاً بتواند ادامه کاری فعالیت پایه ای خود را تضمین کرده باشد (که به این نکته بعداً بیشتر می پردازم) ، باید نفوذ خود را در بین کارگران حوزة فعالیت خود به حد کافی گسترش داده باشد و به اشکال مختلف توسط کارگران متشکل احاطه شده باشد ، باید بطور واقعی بتواند با پیشرو ترین کارگران و رهبران عملی جنبش های اعتراضی در تماس باشد ، بخشی از این رفقا را حداقل در صفوف خود داشته باشد و لااقل نفوذ معنوی و سیاسی معینی در میان دیگر رهبران عملی کارگران که هنوز به حزب نپیوسته اند داشته باشد . حوزة کمونیستی باید بطور واقعی قادر باشد افکار و اعمال کارگران را در طول مبارزه و آکسیون تحت تاثیر جدی قرار بدهد و هدایت کند . در جنبش کا رگری هیچ نفوذ و اعتباری بسادگی و سهولت بدست نمی آید . رهبری رانمی توان قاپزد ، بلکه باید کسب کرد و این مستلزم کار پایه ای سیاسی ترویجی و تشکیلاتی جدی ای در میان کارگران است . همانطور که گفتیم ما اینها را قبلا در جزئیات بیشتری شکافته ایم .

گفته مهمی که من در اینجا اضافه میکنم مساله کارعلنی، عناصر علنی کار و وابستگی قطععی رهبری آکسیون های کارگری به این امورات. این مساله ای است که در گذشته ما کمتر ارجاع به آن صحبت کرده ایم و سعی میکنیم در آینده نزدیک بیشتر برای رفقا تشریح کنیم.

مساله اینست که رهبری صرفا مخفیانه مبارزات کارگری ممکن نیست. هر آکسیون، مثلاً اعتصاب، تحصن و غیره، حرکتی است که بهر حال بیانگر مقاومت و مبارزه علنی های وسیعی از کارگران در برابر سرمایه و کارفرما و دولت است. هر قدر هم که یک اعتصاب توسط یک مرکز مخفی هدایت شود، باز هم اعتصاب بعنوان یک عمل مستقیم کارگران نیازمند رهبری در صحنه علنی است. بسیج کردن کارگران، تعیین و تمحیح شعارها در روز آکسیون، خنثی کردن تبلیغات و توطئه های عمال دولت و کارفرما، مذاکره، انتخاب نماینده و غیره، بهر حال به وجود رهبران و مبلغین علنی نیاز دارد. هیچ عمل توده ای بدون تکمیل فعالیت مخفی گفونستی با فعالیت هدفمند علنی ممکن نیست. تمام بحث بر سر اینست که چگونه حوزه مخفی گفونستی می تواند در روزهای آکسیون رهبر باشد، رهبری ای که مستلزم دخالت فعال علنی است. اگر این توانائی و این قدرت در ما نباشد، یعنی اگر نتوانیم به درستی فعالیت مخفی را با اقدامات علنی لازم تلفیق کنیم

صحتی از دخالت فعال در رهبری مبارزات جاری هم نمی تواند در میان باشد.

اما کارعلنی عرصه ای است که ما تا به حال کمتر به آن پرداخته ایم و گوشه و زاویه های آن را کمتر روشن کرده ایم. کلاً مقوله، مبلغ علنی کار حزبی، یعنی کسی که را ما در آکسیون در پیشاپیش صفوف کارگران قرار می گیرد و آنها را هدایت میکند، در جنبش ما و در حزب ما کمتر شناخته شده است. اگر دقت کنید فعال ترین سخنوران کارگری، مبلغین صاحب نفوذ و رهبران عملی را در عفا گفونست ها و تریبونیونیست ها پیدا می کنید، ما باید این عقب ماندگی را جبران کنیم. تنها هنگامی بطور جدی به مساله رهبری آکسیون های کارگری نزدیک شده ایم که حوزه های حزبی ما توانسته باشند به قلمرو کمتر شناخته شده فعالیت علنی گفونستی گام بگذارند.

این یک بحث سبک کاری است، رابطه، حوزه مخفی با عناصر علنی کار چیست؟ این عناصر چگونه به حوزه ها مربوطند و چگونه از حوزه خط می گبرند و توسط حوزه هدایت می شوند؟ اطلاعات این عناصر مخفی کار از حوزه مخفی و روابط آن چقدر است؟ چگونه میتوان کاری کرد که فعالیت علنی رفیق حزبی ما امنیت و ادامه کاری حوزه و شبکه مخفی ما را به خطر نیندازد؟ خود مبلغ علنی را چگونه میتوان حفظ کرد و امنیتش را تضمین کرد؟ مبلغ و فعال علنی ما چگونه می تواند بی آنکه

الزاماً هویت و تعلق حزبی خود را افشای نماید - که تا وقتی اختناق نا این حد شدید است عمدتاً ناگزیر از مخفی نگاه داشتن هویت خود است - مواضع و سیاست ها و شعارهای حزب را در روز آکسیون به کرسی بنشانند؟ بطور کلی مبلغین و فعالین علنی خود را در چه محیطی پیدا میکنیم؟ چگونه آنها را به عضویت حزب در می آوریم؟ و چرا رابطه ای بین حوزه های مخفی و این مبلغین علنی کار برقرار می کنیم؟ پاسخ این سوالات را باید داشت و ما سعی می کنیم اینها را در آینده نزدیک روشن کنیم. بهر رو در این فرصت کوتاه تاکید می کنم که علاوه بر ملزوماتی که فعالیت را هم بدرستی نشانیم و خود را از این لحاظ هم محکم و آماده کنیم. تلفیق کار مخفی و علنی به معنای علنی کاری و مخفی کاری توأم همه اغفای حوزه و روابط پیرامونی آنها نیست بلکه عمدتاً به معنی ایجاد رابطه ای محکم و مناسب میان فعالین مخفی و فعالین علنی کار است. امروز کمتر حوزه ما است که مدعی باشد از امکان آرتیستایون علنی به شیوه ای ادامه کار برخوردار است، مدعی باشد که عناصر علنی و رهبران عملی ای را، بدون آنکه آنها را از این قلمرو فعالیت حیاتی محروم کرده باشد و بیرون کشیده باشد، یعنی بدون آنکه آنها را به فعال "مخفی" تبدیل کرده باشد به عضویت حزب در آورده و فعالیت آنها را تحت سیاست و

خط مشی ورهبری حزب قرار داده است .

حزب ما یک حزب مخفی است ، این لازمه فعالیت حزبی است که دردل اختناق بورژوازی و در برابر توحش بورژوازی فعالیت میکند . کمونیست ها همواره مگر در شرایط استثنائی در چنین شرایطی فعالیت می کنند . اما این به آن معنی نیست که قلمرو کار علنی و لاجرم قلمرو رهبری عملی آکسیون ها را به رفرمیست ها و تریدمونیونیست ها بسپارند . اگر امروز عملاً چنین است ، این نقطه ضعف ماست . ما باید پدیده های به اسم آژیتاتور کمونیست علنی کار ، رهبران عملی جنبش های کارگری که به عضویت حزب درآمده اند ، را بشناسیم و در فعالیت حزبی خود برای اینگونه رفقا جای واقعی شان را بازکنیم .

توجه کنید که اینجا صحبت بر سر علنی کردن یکی دونفر از اعضای حوزه ها نیست ، صحبت بر سر جذب رهبران پرشور جنبش کارگری ، سخنوران کارگری و کارگران ما حب نفوذ به تشکیل بایستی در حزب ، با حفظ نقش علنی پیشین آنهاست ؛ یعنی نقش علنی ، نقش مبلغ توده ای و نقش رهبر این مستلزم برقراری رابطه ای ظریف و فکرتوده میان تشکیلات مخفی حزب با عناصر علنی است . این یکی از مهمترین ملزومات دخالت ما در آکسیون ها است . آکسیونهایی که

با کارصیورانه و آگاهانه فراهم کرد . مادام که چنین نیست ، یعنی مادام که حوزه مخفی ما ناگزیر است یا برای ادامه کاری خود ، که گفتیم در اولویت است ، از ایقاع نقش پیشتاز در روز آکسیون چشم ببوید ، و یا با جهیدن به صف مقدم آکسیون تمام دستاوردهای کنونی اش را به مخاطره بیاندازد ، ما با تاقفی که در سوال قبل گفتید روبرو خواهیم بود . اما آن زمان که شبکه مخفی تشکیلاتی ما ، به شیوه ای اصولی و حساب شده و منظم و با محاسبه کلیه جنبه های امنیتی ، به عناصر علنی کاری که توانائی هدایت توده های کارگر را در روز های آکسیون دارند ، متصل باشد ، یعنی آن زمان که تشکیلات مخفی ما بتواند وجود آژیتاتور علنی را در سیستم خود جا بیندازد و هم کند ، آنگاه ما بطور واقعی آماده ایم تا در مبارزات جاری کارگران ، به مثابه رهبر ، ظاهر بشویم .

همانطور که گفتیم این بحث ها را تدریجاً با رفقا در میان خواهیم گذاشت . من صرفاً خواستم توجه رفقا را به این امر جلب کنم و امیدوارم در نامه های خودتان به ما به این مساله هم بپردازند . بحث تفصیلی را باید بعداً مطرح کرد . اما با اجازه شما من از این فرصت استفاده میکنم و چند کلمه ای هم راجع به همین رفقای علنی کار اضافه می کنم .

فعالین علنی کار به اینصورت بدست نمی آیند که مثلاً این یا آن رفیق در حوزه و یا پیرامون آن

بدستور حزب نقش دخالت علنی در آکسیون را برعهده بگیرد . مبلغ علنی و رهبر عملی تا حدود زیادی محصول خود مبارزات و اعتراضات کارگران است . کارگران پرشور ، مترش و سخنوری که در اعتراضات بقول معروف رو می آیند ، در میان کارگران نفوذ کلام پیدا می کنند و عملاً ظرفیت های رهبری عملی را از خود بروز می دهند ، زاشده نفس اعتراض طبقه کارگر علیه بورژوازی و سرمایه هستند . جنبش کارگری بطور طبیعی این عناصر را دردل خود می پروراند و به جلو صف خود می راند . البته در غیاب یک تشکیلات حزبی و با درک سیاسی تئوریک نازل ، این دسته از رهبران عملی یا جذب ایده های رفرمیستی و تریدمونیونی می شوند ، و یا در صورتی که حتی خود را کمونیست هم بدانند ، از شکل پذیری با حزب مخفی ابا دارند . تجربه جنبش پوپولیستی هم این هراس آنها را موجه کرده است .

آنها نگرانند که پیوستن شان به حزب سیاسی موجب کنترکشان شده شان از این عرصه فعالیت باشد . بعلاوه مضمون فعالیت ایندسته از رفقا در غیاب ارتباط و تعلق حزبی در موارد زیادی محدود به تبلیغ و عملکرد رفرمیستی و رهبری عملی مبارزه در همان محدوده خودبخودی است . کار اینها گسسته و بی هدف و تا شیراتشان زودگذر است . اما وقتی همین مبلغین به حزب پیوندند ، مضمون فعالیتشان متحول خواهد شد ، از لحاظ سیاسی

— درسهای قیام بهمین را بخاطر بسیاریم! —

شش سال پیش در ۲۲ بهمن توده‌های کارگر و زحمتکش و مستعبد ایران، طی قیامی پرشکوهِ و حماسی طومار عمر رژیم دیکتاتور سلطنتی را درهم پیچیدند. مردمی که سالها تحت انواع ستمها، تحقیرها و شکنجه‌ها بودند، در برابر ماحسان زور و سرمایه بی‌خاستند؛ دولت دیکتاتور و سوزوای شاه را — که به قدر قدرت منطقه تبدیل گشته بود — واژگون نمودند و به خود و جهانیان نشان دادند هنگامیکه توده‌ها اراده کنند، کاخ میراث خواران ۲۵۰۰ سال ستم را نیز برای بیداری در برابر امواج انقلاب نخواهد بود. این چنین بود که مردم عظمت نیروی خود و طعم آزادی را تجربه کردند.

اما آزادی توده‌ها دیری نپاشید، زیرا آنها تصور گنگی از آزادی ورهائی داشتند، نسبت به نیروهای بورژوازی و ارتجاعی اپوزیسیون رژیم متوهم بودند و تصور میکردند که تنها با شعار "مرگ بر شاه" و ساقط کردن رژیم سلطنتی، اوضاع بروفق مراد خواهد شد و آنان به آمال و آرزوهای خود دست خواهند یافت. همین ضعف کافی بود تا مدافعین اسلامی سرمایه و امپریالیسم با تکیه

بر توهم توده‌ها، براریک‌ه قدرت‌ضدانقلابی تکیه زنند و دستاوردهای قیام را یک بیک از توده‌ها بازپس گیرند.

با اینحال، قیام اگرچه در نیمه راه متوقف شد و از سوی نوکران اسلامی سرمایه سرکوب گشت، اما نسلی جور و بسا شها مت از توده‌ها را پرورش داد، آنان را بمیدان مبارزه، سیاسی و طبقاتی کشاند و درسهای پرباری به توده‌های کارگر و زحمتکش و پیشروان آنها داد. این پشتوانه گرانقدر، به یمن وجود پرولتاریای آگاه و حزب کمونیست و در پیشاپیش جنبش، این بار میتواند راهگشا و نیرو بخش انقلاب پیروزمند آینده باشد.

توده‌های کارگر و زحمتکش و در پیشاپیش آنان طبقه کارگر آگاه، یقیناً بار دیگر قیام خواهند کرد و رژیم جمهوری اسلامی را همچون رژیم شاه به زباله‌دان تاریخ خواهند افکند. اما این بار توده‌ها باید بدانند که میخواهند چه حکومتی را جایگزین رژیم جمهوری اسلامی کنند. آنها باید با مطالبات روشن و انقلابی خود بمیدان بیایند؛ دولت جمهوری اسلامی را بطور کامل درهم کوبند، حکومت شورائی خود را

برپا نمایند و وسیع ترین دموکراسی را در جامعه برقرار سازند. کسی که انقلابی و طرفدار دموکراسی است و از تجربه قیام آموخته است دیگر فریب نیروهای شی را که میخواهند صرفاً با شعار "مرگ بر خمینی"، کلیت رژیم جمهوری اسلامی را از آماج انقلاب آینده محفوظ کنند و رژیم دیکتاتور و پاسدار سرمایه را تحت عناوین دیگری به توده‌ها قالب کنند، نخواهد خورد.

طبقه کارگر که روز بروز بیشتر به علم شرایط رهائی خویش به کمونیسم روی میآورد و آنرا فرامیگیرد، از تجربیات قیام بهمین نیز این رادارک میکند که نباید جز به نیروی مستقل طبقاتی خویش به هیچ نیروی دیگری اعتماد و اتکا کند. طبقه کارگر باید پرچم "آزادی، برابری، حکومت کارگری" را برافرازد، در راس مبارزات توده‌های که خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی و تغییر انقلابی نظام کنونی هستند قرار گیرد در مقابل تمامی نیروهای بورژوازی و امپریالیستی که همگی خواب دیکتاتور بورژوازی دیگری را در سر میپرورانند با بستن دست رد به سینه آنها بزنند و قیام آینده را تساهل انقلاب پیروزمند سوسیالیستی ادامه دهد.

بقیه در صفحه ۳۱

آزادی، برابری، حکومت کارگری

اخبار کارگری

گزارش مشروحي از اعتصاب کارگران ذوب آهن

در شماره پیش خبر اعتصاب کارگران ذوب آهن که بدنبال اعلام طرح شرکتی کردن کارگران بخش ساختمانی از طرف مدیریت آغاز شده بود را مختصراً بجاپ رساندیم. در اینجا مشروح این خبر را نقل میکنیم.

دولت از سال ۶۰ درصدمت است که بخش وسیعی از کارگران بخش ساختمانی را (که اکثریت آنان نزدیک به بیست سال سابقه کار در این صنعت دارند) اخراج کند؛ بدین منظور طرح عوامر بیبانه و ضدکارگری تعاونی کردن را از او خرابال ۶۰ مطرح نمود که بدنبال اعتصاب گسترده کارگران ذوب آهن مجبور شد آنها پس بگیرد و اکنون با ردیگر طرحی مشابه آنها بعنوان شرکتی کردن کارگران مطرح نموده است و این بار نیز با اعتراض و خشم وسیع هزاران تن از کارگران ذوب آهن روبرو شده است. در عرض چندسال اخیر بیش از ۱۵ هزار نفر از کارگران ذوب آهن و کارگران ساختمانی فولاد شهر کار خود را از دست داده اند.

کارگران بخش ساختمانی ابتدا در روز ۱۹ آبان بعنوان مخالفت و اعتراض به طرح شرکتی

کردن دست از کار کشیدند و همگی در محوطه کارخانه اجتماع کرده و از مدبر عام ذوب آهن، شهیدی، خواستند که در اجتماع آنها حاضر شده و در مورد این طرح به آنان توضیح دهد. وی ابتدا از حضور در مجمع عمومی کارگران سر باز زد و معاون خود را به جمع کارگران فرستاد ولی سپس تحت فشار کارگران مجبور شد که به خواست کارگران تسلیم شود و در جلسه روز ۲۲ آبان کارگران شرکت نمود. شهیدی در توضیح این طرح شروع به عوامر بیبسی کرده و تلاش نمود که طرح را بسیار پیچیده جلوه دهد و بالاخره گفت که " شما کارگرید و از این طرح سردر نمی آورید ولی مساله اخراج در میان نیست". کارگران در پاسخ به اراجیف او گفتند که حرفهایش را قبول ندارند و به اعتصاب خود ادامه میدهند. در این مرحله کارگران قسمت بهره برداری نیز تهدید کردند که در صورت پافشاری دولت برای اجرای این طرح آنها نیز گوره بلند را خاموش کرده و به اعتصاب خواهند پیوست. در این روز کارگران به مدیر عامل کارخانه ۱۵ روز مهلت دادند تا به تهران برود و

با مقامات دولتی مذاکره کند و در ضمن اعلام نمودند که در صورت مخالفت دولت با خواستههایشان اعتصاب خود را از سر خواهند گرفت.

طی این اعتراضات مدیریت کارگران میخواهد تا نماینده خود را به کمیسیونی متشکل از نمایندگان کارگران و سرپرستان کارخانه بفرستند؛ کارگران در پاسخ به این مساله اعلام میکنند که رژیم هر نوع شکل آنها را منحل کرده و آنها نماینده ای ندارند و میگویند باید از شورا و تشکل های خود برخوردار باشند تا از این طریق نمایندگان خود را انتخاب نمایند.

در روز ۶۳/۹/۷، یعنی یک روز قبل از موعد مقرر، اطلاعیه ای با مضمون شهیدی خطاب به کارگران با این مضمون در کارخانه پخش شد که: " من با نخست وزیر و افراد دیگر حرف زدم، آنها گفتند گول ضد انقلابیون را نخورید و مدت یکماه وقت دادند تا همه شما توجیه شوید". کارگران بلافاصله پس از اطلاع از مضمون اطلاعیه فوق مجمع عمومی تشکیل داده و تصمیم گرفتند تا تحقق خواست شان به اعتصاب ادامه دهند. مدت کوتاهی پس از این تصمیم گیری کارگران، نیروهای انتظامات به کارگران یورش آورده و ۴ نفر را که کارگران بعنوان نماینده خود معرفی کرده بودند، و یکی از آنها زن کارگری بود که در جلسه ۲۲ آبان نیز با شهادت بسیار سخنرانی کرده بود، دستگیر کردند. کارگران

در مقابل این اقدام مزدوران
 مسلح رژیم از خروج کلیه
 کارکنان جلوگیری نمودند و
 اعلام کردند تا آزادی رفقای
 دستگیر شده همه در آنجا خواهند
 ماند. این اقدام در عین حال
 پیوستن کارگران بخش بهمه
 برداری به سایر کارگران را نیز
 تسهیل مینمود. بدین ترتیب
 کلیه کارگران از ساعت ۴
 بعد از ظهر تا ۱۱ صبح روز بعد
 در کارخانه ماندند و پس از آنکه
 نمدگر رفتند که رفقای شان روز
 شنبه آزاد خواهند شد به خانه‌ها
 شان بازگشتند.

روزشنبه رژیم تحت فشار
 کارگران مجبور شد ۴ کارگر
 دستگیر شده را آزاد کند. این ۴
 تن زیر شکنجه‌های بسیار قرار
 گرفته بودند، بطوریکه یکی از
 آنها هنگامیکه قصد داشت برای
 کارگران سخنرانی کند از هوش
 رفت و به بیمارستان منتقل شد
 که حال وی بسیار وخیم است.
 در تاریخ ۶۳/۹/۷ اعلامیه‌ای
 از طرف دادرسی انقلاب خطاب
 به کارکنان ذوب آهن مبنی بر
 اینکه "هنوع تجمع یا بی نظمی
 در محیط کار بمنزله مخالفت با
 نظام جمهوری اسلامی و همکاری
 با ضدانقلاب محسوب میشود و با
 مسبب آن با قطعیت تمام
 برخورد خواهد شد" منتشر شد.
 علیرغم این تهدیدات و فشار
 های پلیسی، کارگران طی جلسه‌ای
 تصمیم میگیرند که به اعتصاب
 خود ادامه دهند. طی این جلسه
 همچنین قطعنامه‌ای بتصویب
 کارگران میرسد که حاوی خواست
 های زیر است: ۱ - برکناری

نلی وزیر صنایع که قبلا مدیر
 عامل ذوب آهن بوده و در زمان
 ریاست وی ۱۵ هزار کارگر
 بیکار شده‌اند؛ ۲ - برکناری
 شهیدی (مدیرعامل ذوب آهن)؛
 ۳ - لغو هرگونه شرکتی با
 تعاونی کردن ذوب آهن؛ ۴ - بیمه
 های اجتماعی.

فردای آن روز، یعنی روز
 یکشنبه ۱۱ آذر کرباسی،
 استاداراضهان، بهمه
 نماینده تهران، یک آخوند و
 شهیدی، مدیرعامل به جمع
 کارگران، که بیش از ۱۲ هزار
 نفر بودند، آمدند. تعداد زیادی
 سرباز که برای محافظت از این
 مزدوران آمده بودند در پشت سر
 کارگران ایستاده بودند. در
 ابتدای ورود این هیئت، یک
 حزب الهی تکبیر گفت که تعدادی
 از کارگران تکرار کردند ولی
 بلافاصله تکبیر به شعار "مرگ
 بر شهیدی" تبدیل شد. شهیدی او
 زمان دستگیری نمایندگان
 کارگران خود را از انظار مخفی
 کرده بود و در این روز به اتکای
 تعداد زیادی نیروی مسلح به
 میان کارگران آمده بود.
 کرباسی در مقابل شعار کارگران،
 ابتدا دست پاچه شد ولی سپس او
 هم با اتکاء به همین عوامل مسلح
 خود را جمع و جور کرد و شروع به
 سخنرانی نمود.

او در سخنرانی خود دو هدف
 را تعقیب میکرد (۱) ارضاب
 کارگران پیشرو (۲) فریب
 کارگران ناآگاه تر. وی در ضمن
 تهدیدات خود در کمال عوام
 فریبی عنوان میکرد که "یک
 کارگر مسلح حاضر نیست که

تنبلی کند و پول بگیرد، خیلی
 از شماها اینجا واقعا کاری
 ندارید". بالاخره کرباسی با
 این خیال خام که توانسته است
 به اهداف خود دست یابد عنوان
 کرد که "حالا دیگر منتظر باشید
 تا هیئت با زرسی از طرف ما
 بیاید و بعد از نشست با شما
 مساله را حل کنیم. بنا بر این
 شما طرح نان را با در نظر گرفتن
 مشکلات و جنگ بدهید تا سازشی
 میان ما بشود". در اینجا لازم
 تذکر است که کارگران پس از
 آنکه رژیم ۴ نماینده شان را
 دستگیر و وحشانه شکنجه نمود،
 در جلسات خود تصمیم گرفتند که
 دیگر نماینده‌ای انتخاب نکنند
 تا بدین ترتیب نمایندگان نشان
 را در معرض دستگیری قرار ندهند.
 پس از اعلام این طرح کرباسی
 از جمعیت خواست که متفرق
 شوند. هنوز کرباسی صحبتش
 تمام نشده بود که یکی از کارگران
 از میان جمعیت فریاد زد "دیگر
 از این کلاه سرمان نمی رود".
 این حرف‌ها هوی زیادی در
 جلسه انداخت و کرباسی که گیج
 و بهت زده شده بود، برای اینکه
 فرصت فکر کردن پیدا کند و در
 ضمن ذهن کارگران را از این بحث
 منحرف سازد گفت طلمات بفرستید
 و سپس بدون آنکه به سؤالات
 کارگران که همگی بروشتی بیانگر
 بی اعتمادی آنها به دولتت
 بود پاسخ بگوید، از ترس آنکه
 بحث بالا بگیرد و خشم کارگران
 لبریز شود جلسه را ترک کرد و
 سوار بر بنز ضدگلوله‌اش شد و در واقع
 از صحنه گریخت. هدف رژیم از
 اراشه چنین طرحی این بود که

تجمع کارگران را که با اعتصاب و وحدت، همبستگی و نزدیکی عمیق میان آنان شده بود از هم بپاشد، تا مدتی کارگران را سرگرم کند بعد از آنکه مبارزه فروکش کرد و با اصطلاح آنها از اسباب افتاد، طرحی را بعنوان طرح توافق شده بمصوب برساند و بدین ترتیب امکان مفاصله کارگران با نقشه های خود را تا حد زیادی کاهش دهد. ولی کارگران خیلی سریع این نقشه دولت را نقش بر آب کردند.

پس از رفتن گریبای جلسه ادامه پیدا کرد، کارگران با زور بلندگو را بدست آوردند و تک تک بکمک یکدیگر پشت بلندگو رفته و به روشنگری درباره این طرح و افشاء مناصد دولت پرداختند. جلسه مملو از هیجان بود و کارگران موفق شده بودند، به نیروی خود در این جواختناق و پلیسی محیط دموکراتیکسی بوجود آورند هر یک از کارگران به آزادی اظهار نظر میکرد و میکوشید نظرات خود را با دیگر رفقاییش در میان گذارد. در این میان کارگران پیشرو نیز امکان خوبی یافته بودند تا به افشاء دولت و طرح های ضد کارگری و عوام فریبی هایش دست زنند. کارگران در میان صحبت هایشان به دولت اعتراض میکردند که چرا پس از ۲۰ روزا اعتصاب و اینهمه مذاکره هنوز خبر اعتصاب آنها از طریق رادیو و تلویزیون پخش نشده است. تا کیداملی صحبت ها بر این بود که باید تا تحقق خواست هایشان به مبارزه ادامه دهند و کماکان در همان محل دورهم جمع

شوند.

خبر اعتصاب کارگران ذوب آهن اشکاس وسیعی در شهر اصفهان، در میان کارگران کارخانه های دیگر و همچنین سراسر کشور پیدا کرد. حتی از طریق خبرگزاریهای بین المللی نیز منعکس گردید و رژیم مجبور شد که بطور علنی در رابطه با آن صحبت کند. در نتیجه روز سه شنبه ۱۴ آذر استاد اصفهان بمدت یکساعت از تلویزیون برای مردم صحبت کرد و گفت دولت قدا اخراج کارگران را ندارد، و اینها کمونیست اند و تا یقه پراکنسی کرده اند. این سخنرانی چندبار از تلویزیون پخش شد، پس از آن هم ظاهری، نماینده خمینی و امام جمعه اصفهان در نماز جمعه درباره آن صحبت کرد.

در ادامه اعتصاب، کارگران تصمیم گرفتند روز شنبه ۱۷ آذر ماه مانع تخلیه هرگونه بار در کارخانه و با بارگیری مواد برای حمل به بیرون کارخانه شوند، در صورت اجرای این تصمیم دولت میلیونها تومان خسارت نمیدهد، بهمین علت امکان درگیری شدیدی میرفت که کارگران از قبل آنرا پیش بینی میکردند. بدنبال این تصمیم کارگران، دولت بهزاس افتاد و ظاهری روز جمعه ۱۶ آذر بالحنی ملتسانه به کارگران گفت: "اگر حضرت محمد دست شما کارگران را می بوسید، من با هایشان را می بوسم. من فامین میخوم که املا تاعوسی و اخراج درگاریست و آن کاری که با پولاد شهری ها کردند اشتباه بود و ..."

کارگران که از قبل اعتصاب کرده بودند بغیر از رفقای خا منهای، میرحسین موسوی و وزیر کار حرف هیچ مقام دیگری را نمی پذیرند، به صحبت های ظاهری نماینده خمینی هیچ اعتنا نمی نکردند. در نتیجه استاد را که پیش از این در جمع کارگران آنها را تهدید کرده بود و از آنها خواسته بود تا با هیئت بازرسی بهما زنی برسند و در آخر هم مفتضاحانه جلسه را ترک کرده بود، مجبور شد بطور رسمی و کتبیا اطلاعیه ای خطاب به کارگران صادر کند که حاوی این مواد بود: (۱) همه استخدام رسمی و بیمه درمانی میشوند؛ (۲) شرکتی کردن دلخواهی است و هر کسی خواست میتواند مشمول آن شود؛ (۳) هرکس از این تاریخ سرکار نرود مجرم محسوب میشود؛ این اطلاعیه نمایانگر عقب نشینی و هراس رژیم از مبارزه کارگران ذوب آهن بود، ساده سوم نیز بخاطر خالی نبودن عریضه آمده بود، چرا که در هفته پیش هم تهدیدات شدیدتری از جانب رژیم صورت گرفته بود که کارگران وقتی به آن نگذاشته و یکپارچه و متحد به اعتصاب خود ادامه داده بودند.

این اطلاعیه روز شنبه ۱۷ آذر در کارخانه پخش شد و کارگران روز شنبه و یکشنبه در مجمع عمومی به بحث و تبادل نظر حول آن پرداختند و سپس تصمیم گرفتند که این اطلاعیه را بعنوان عقب نشینی رژیم بپذیرند و اعتصاب خود را خاتمه دهند ولی در عین حال در کمال هوشیاری منتظر اقدامات بعدی رژیم تا یکماه

آتی باشند و در صورتی که رژیم با ز به حبله های دیگری متوسل شد مبارزه خود را از سر بگیرند .

بدین ترتیب این اعتصاب قهرمانانه کارگران ذوب آهن که هزاران کارگر در آن شرکت داشتند بطور موفقیت آمیز به پایان رسید . ماهنوز اقدامات بعدی رژیم و چگونگی ادامه این مبارزه گزارشی دریافت نداشتیم .

در طول این اعتصاب کارگران پالایشگاه اصفهان ، صنایع فولاد مبارکه ، کارخانه پتروشیمی ، قند و سیمان اصفهان ، ماشین سازی اراک و تراکتور سازی تبریز بطور علنی از مبارزات کارگران ذوب آهن پشتیبانی کرده اند . همچنین مردم شهر اصفهان نیز بطرق مختلف همبستگی و پشتیبانی خود را از مبارزه کارگران ذوب آهن ابراز نموده اند .

در تمام طول اعتصاب کارخانه ذوب آهن صنایع از همبستگی کارگری بود . هر روز صبح کارگران در دسته های چند صد نفری از محل کار خود به محل تجمع در پایگاه صنعتی میرفتند و در طول راه سایر کارگران را نیز به پیوستن به تجمع شان فرا میخواندند . کارگران با اعتمادی صنایع فولاد هم که حدود سه ، چهار هزار نفر هستند و تحت نظر ذوب آهن کار می کنند ، هر روز با توبوس هایشان دستجمعی به کارخانه آمده و به تجمع کارگران می پیوستند . در این روزها اعتصاب کارخانه ذوب آهن شاهد صحنه هایی باشکوه و تکان دهنده از

همبستگی و قدرت کارگری بود . مبارزه کارگران ذوب آهن یکبار دیگر گوشه ای و تنها گوشه ای ، از قدرت عظیم و نهفته طبقه کارگر ایران را به نمایش گذارد . مبارزه ای که بحق ترسی عظیم درد بورژوازی و رژیم سیاه اسلامیش انداخته است .

جلسات مجمع عمومی کارگران که هر روز هزاران هزار کارگر مضموم و متحد در آن حاضر میشدند ، به بحث و تبادل نظر حول مسائل شان می پرداختند و با یکدیگر عهد می بستند که تا تحقق خواست هایشان عقب نخواهند نشست ، در این شرایط دیکتاتوری و اختناق سیاه ، محیطی دموکراتیک در کارخانه بوجود آورده بود که بقدرت خود کارگران ایجاد شده بود . جلساتی که خود بهمان گرایین بود که اگر کارگران اراده کنند و متحد ، یکپارچه و متشکل برای دستیابی به خواستهایشان مبارزه کنند حتی وحشی ترین و ددمنش ترین رژیم سرمایه نیز تا چه حد در مقابل آن احساس عجز و زبونی میکند .

این مهمترین مبارزه طبقه کارگر ایران در یکسال اخیر است . در یکسال اخیر ما شاهد مبارزات کارگری بسیاری بودیم ، از آنجمله مبارزات قهرمانانه کارگران دغانبات و کانادادری ، ولی مبارزات کارگران ذوب آهن بخاطر موقعیت کلیدی این صنعت و همچنین تعداد وسیع کارگران جایگاه برجسته ای را در سیر مبارزات کارگری در دوره اخیر اشغال میکند . نکته قابل توجه دیگر اینست که کارگران

این صنعت جزء اقشار آگاه تر و پیشروتر طبقه کارگر محسوب میشوند و در چند سال اخیر نیز کمونیستها فعالیت چشمگیری در میان کارگران این صنعت داشته اند و به همین دلایل نیز برای پیشبرد اعتصاب و مقابله با حبله ها و اقدامات رژیم ، کارگران از آمادگی بیشتری برخوردار بودند . تشکیل مجمع عمومی و بحث و تبادل نظر حول مسائل و تصمیم گیری های جمعی یکی از نمودهای این آگاهی و آمادگی بیشتر کارگران است . در تمام طول اعتصاب کارگران هیچگاه به وعده و وعیدها ، عواملیسی ها و تهدیدات رژیم و عوامل مزدور تسلیم نشدند و بالاخره نیز گه در مقابل سند گتسی ، رسمی و علنی استاندار مبنی بر پذیرش خواستهایشان اعتصاب خود را به پایان رساندند ، در بحث های دو روزه خود قرار گذاشتند که در کمال هشتمیاری تا یکماه دیگر منتظر بمانند و در صورتی که رژیم بورش دیگری را علیه شان سازمان داد ، با آمادگی با آن مقابله نمایند . آنگاه که ۴ تن از کارگران نیز دستگیر شدند ، کارگران بلافاصله با انجام اقدامات مقتضی آزادی رفقاییشان را تضمین نمودند ، و بالاخره نکته بسیار مهم دیگر اعلام همبستگی و پشتیبانی اقشار دیگری از طبقه کارگر از مبارزه کارگران ذوب آهن است . این خود یکی از دلایل مهم ترس و وحشت رژیم از این مبارزه است ، چرا که طبقه شکل گیری نطفه های مبارزه سراسری طبقه کارگر ایران را

کند. کارگران جدید که بعلمت نداشتن ممکن در همان محل کار زندگی میکردند، صبح تا شب کار میکردند و در مقابل ۱۵۰ تومان دستمزد میگرفتند. کارگران اعتصابی نیز از ترس از دست دادن شغل و تنها معسر درآمد خود و خانواده شان بالاجبار اعتصاب خود را میشکندند و بسر کار باز میگرددند. کارفرما نیز از این پس کارگران خرم آبادی را در یک بخش و کارگران عرب را در بخش دیگر بکار میگمارد و هر دسته را علیه دسته دیگر تحریک کرده و رقابت را در میان آنان دامن میزند و باین ترتیب هر دو دسته را بکار بیشتر وادار میکند.

کارگران پیشروتر دست به اعتراض میزنند و به روشنگری میان کارگران میپردازند. جو اعتراضی بتدریج میان کارگران خرم آبادی نیز بالا میگیرد ولی از آنجا که کارگران فاقد تشکیلات و دارای آگاهی پائینی بودند، نمی توانستند مبارزه و اعتراض خود را هماهنگ کرده و بطور دسته جمعی دست به اعتصاب زنند؛ کارفرما کارگران معترض را اخراج میکند و سپس کلیه کارگران را تهدید میکند که در صورت اعتراض، اخراج خواهند شد.

تعدادی از کارگران پس از این واقعه با یکدیگر بر سر اشتباهاتشان، از جمله اینکه از ابتدا باید با کارگران جدید صحبت میکردند و آنها را نیز در جریان اوضاع گذاشته و همبستگی شان را جلب میکردند، به صحبت می نشینند.

کارگران که ستون فقرات و نیروی اصلی مبارزه علیه جمهوری اسلامی و برای برقراری دموکراسی افغانی و سوسیالیسم را تشکیل میدهد و قادر است نیروی وسیع زحمتکشان جامعه را در این مبارزه، عظیم بگرد خود جمع آورد.

علیه اس رژیم سیاه و سرکوبگر سرمایه بنمایش میگذارد.

مبارزات اخیر کارگران ایران، بویژه مبارزات کارگران دوت آهن، در این شرایط سیاه احتناق و سرکوب دیکتاتوری اسلامی سرمایه، اکنون در عمل سر نشان میدهد که این طبقه

اعتصاب برای افزایش دستمزد

است. شرایط کار کارگران شاغل در این پروژه بسیار سخت و حقوق شان بسیار نازل است، کارگران در مقابل ۱۲ ساعت کار شاق روزانه فقط ۸۰ تومان مـزـد میگیرند. کارفرمایان بعلمت وجود تعداد زیادی از جنگ زدگانی که در آنجا ساکن هستند و در اوضاع بسیار سختی قرار دارند، توانسته اند این شرایط شاق را به کارگران تحمیل کنند.

یعنی عملاً بیکاری وسیع و اوضاع سخت اقتصادی کارگران، به حربه ای برای تحمیل استثمار شدید به آنان تبدیل شده است. جندی پیش کارگران این

بخش، که همگی عرب بودند، بعنوان اعتراض دست به اعتصاب میزنند. کارفرما نیز برای آنکه کارگران را وادار به تسلیم کند، به یکی از بناهای شاغل در آنجا میلیونی پول میدهد و از او میخواهد که از خرم آباد تعدادی کارگر جدید استخدام

یکی از حربه های سوز و آزی برای به شکست کشاندن مبارزات کارگری، تحمیل شرایط سخت و استثمار بیشتر بر کارگران، تفرقه انداختن بین کارگران بر حسب ملیت، نژاد، مذهب و غیره و ایجاد دودستگی میان کارگران است. در شرایط سخت کنونی که بیکاری بیداد میکند و کارگران تحت احتناق سیاه رژیم اسلامی سرمایه از مشکلات خود محروم هستند، این حربه ها بسیار کارا تر نیز شده اند. یکی از نمونه های این گونه تفرقه اندازی میان کارگران اخیراً در شهرک چمران اتفاق افتاده است.

شهرک چمران بین ماه شهری و سربند است. شرکت پتروشیمی یک پروژه خانه سازی برای کارگران این شرکت را در شهرک چمران به پیمانکاران واگذار کرده است. این پروژه از زمان رژیم شاه آغاز شده و هنوز با تمام نرسیده

اعتراض بخشی از کارگران پتروشیمی

کارگران پس از اطلاع از جریان و نتایج مذاکرات به نمایندگی خود اعتراض نموده و به او می گویند که با این تصمیم مخالفند. در نتیجه مبارزات آنها دوباره شروع میشود و این بار کارگران اخراجی مجبور میشوند که در مقابل تصمیم دادگاه حل اختلاف، مبنی بر دریافت مبلغی برابر با حقوق ۴۲ روز بازنه هر سال اعتراضات خود را به پایان رسانند. در این مبارزه اگر چه کارگران نمیتوانند به خواست های اصلی خود دست یابند ولی حداقل میتوانند با مبارزات خود عقب نشینی هائی را به کارفرما تحمیل کنند. در نتیجه مبارزه از آن پس کارفرما اخراج دستمعی را متوقف نمود. در این مبارزه کارگران پتروشیمی چند نکته حائز اهمیت است:

۱) در وهله اول کارگران می بایست بجای مبارزه بسری افزایش حد نصاب ساعات اضافه کاری، برای افزایش حق اضافه کاری بمیزان ۲ برابر دستمزد مبارزه میکردند. اضافه کاری یکی از راههای تحمیل استثمار شدیدتر بر کارگران و تحلییل بردن انرژی آنهاست، ولی متأسفانه در شرایط کنونی که کارگران در اوضاع اقتصادی بسیار سختی زندگی میکنند، مجبورند که به اضافه کاری تن دهند. در چنین شرایطی شمار حزب ما افزایش حق اضافه کاری بمیزان ۲ برابر دستمزد عادی است. در همین حال ما کارگران را به مبارزه سراسری برای لغو

کاهش یافته بود. این مسأله اعتراض کارگران را برانگیخت. بعضی آنکه اعتراض کارگران بلند شد، کارفرما به حربه شناخته شده بورژوازی متوسل شد تعداد ۱۴۰ تن از کارگران را اخراج نمود و آنها را از هرگونه حقوقی که از اخراج آنها ناشی میشود، محروم نمود. این مسأله باعث فروکش کردن اعتراضات در میان کارگران شاغل شد و آنها را از پیگیری خواهیهای دیگرشان، از جمله بیمه بیکاری، حق ایاب و ذهاب و حق کثیف کاری (که مربوط به کارگران تعمیرکاران و کارگرانی از این نوع میشود) منصرف نمود. کارفرما تا اینجا کارگران را وادار به عقب نشینی نموده بود. ولی کارگران اخراجی دست بیک اعتراض دستمعی و متشکل زدند و مرتب به اداره کار مراجعه میکردند. بالاخره پس از اعتراضات بسیار آوارا ره کار مجبور به دخالت شد و جلسهای متشکل از نمایندگان کارگران، نماینده کارفرما و نماینده ای از اداره کار تشکیل گردید و طی این جلسه توافق شد که حقوق مدت مرخصی کارگران، و عیدی به آنهائی که عیدی تعلق میگیرد، پرداخت شود. پس از پایان مذاکره نماینده کارگران در مجمع عمومی نتایج مذاکرات را به اطلاع کارگران رسانید.

در شهرک چمران علاوه بر کارگران ساختمانی حدود ۷۰۰ کارگر و کارمند که تحت استخدام شرکت پتروشیمی هستند، کار میکنند. پیش از این هر کارگری میتوانست حدود ۱۲۰ ساعت در ماه اضافه کاری کند، و از آنجا که حقوق هابسیار پائین است، سرپرستها، حتی اگر کارگران ۱۲۰ ساعت راهم اضافه کاری نمعی کردند، میتوانستند این مقدار اضافه کاری را در حقوق کارگران محسوب کنند؛ چرا که این در واقع بخشی از دستمزد واقعی کارگران بود که تحت عنوان حق اضافه کاری به آنها پرداخت میشد.

چندی پیش از طرف شرکت پتروشیمی بخشنامه ای صادر شد مبنی بر اینکه به هیچ کارگری بیش از ۵۰ ساعت اضافه کاری تعلق نمیگیرد. کارگران همگی دست به اعتراض زدند و کارفرما نیز در مقابل این اقدام کارگران عقب نشینی کرد و ابتدا اعلام نمود که این بخشنامه تنها شامل کارگران رسمی است (تنها تعداد اندکی از کارگران رسمی هستند) و سپس بکلی بخشنامه را پس گرفت. ولی کارفرما در مقابل، به حیلله دیگری متوسل شد. با این معنی که از آن پس تنها بسازی آن مدتی که کارگران اضافه کاری میکردند به آنها حقوق پرداخت میشد، یعنی عملاً دستمزد کارگران

اما فکری بطور کلی و افزایش دستمزدها فرا سخاوتمندانه (توجه رفقا را به مقاله‌ای در این رابطه با عنوان "درباره شمار ممنوعیت اضافه کاری"، کمونیست شماره ۵، بهمن ۶۲ جلب میکنیم). ۲) هنگامیکه کارفرما ۱۴۰ تن از کارگران را اخراج میکنند، کلیه کارگران باید علیه اخراج آنها دست به مبارزه میزدند و مبارزه برای بازگرداندن این کارگران سرکار نمی‌بایستی تنها به عهده خود کارگران اخراجی واگذار میشد. اکنون که سوزواری و رژیم اسلامی سرمایه به اخراجهای وسیعی در میان کارگران دست زده‌اند، تنها راه مبارزه علیه آن مبارزه متحد و متشکل کلیه کارگران است. در صورتی که همگی کارگران علیه اخراج رفقایان مبارزه میکردند، قطعاً از نیروی تعرض بیشتری برای مناعت از اخراج آنان برخوردار بودند و حداقل میتوانستند عقب نشینی‌های بیشتری را به کارفرما تحمیل کرده و اقدام‌های بعدی او را در این زمینه با مشکلات و موانع بیشتری روبرو سازند.

۳) نکته بسیار مهم دیگر در مبارزه کارگران، ارتباط آنها با نماینده‌شان است. می‌بینیم که کارگران نماینده‌شان را ملزم میکنند که آنها را در جریان مذاکره قرار دهد و در مجمع عمومی کارگران نماینده به این کار مبادرت می‌ورزد و

کارگران که با نتیجه مذاکرات مخالف بودند، به آن رایست نداده و به مبارزه خود ادامه می‌دهند. نماینده‌شان نیز هم رای با آنها به مبارزه ادامه میدهد.

چگونگی مناسبات کارگران با نماینده‌شان در مبارزات کارگری حائز اهمیت بسیاری است. نمایندگان باید مجری نظرات کارگران باشند، در نتیجه لازم است تا در مجمع عمومی، کارگران درباره مسائل مربوطه بحث کرده و تصمیم‌گیری نمایند و نماینده مسئول اجرا و پیشبرد این تصمیمات باشد. بطور مثال در رابطه با بستن مذاکره نماینده باید نظرات کارگران را به کارفرما و دولت اطلاع دهد و در صورت عدم توافق، جریان مذاکرات و نظرات آنها را بطور کامل و دقیق به اطلاع کارگران رسانده و پس از بحث و تبادل نظر، در صورت لزوم تصمیمات جدیدی بطور جمعی اتخاذ شده و آنگاه نماینده مسئول پیشبرد این تصمیمات جدید خواهد بود. بدین ترتیب هم کارگران در سرنوشت خود دخالت فعلی‌تری خواهند داشت و هم مانع تسلیم نمایندگان خود به سازش‌هایی میشوند که مخالف نظرشان است. در عین حال حربه ارعاب و تطمیع نماینده توسط دولت و کارفرما - بان کارآئی خود را از دست میدهد.

اعتصاب برای افزایش دستمزد

مبلا در کارخانه ایران ابزار ماهیانه میلیتی بعنوان حق بهره‌وری به کارگران پرداخت میشد، اما از اسفند ماه ۶۲ پرداخت این مبلغ قطع گردید. کارگران تا مدتی به این مساله اعتراض نکردند، تا اینکه روز ۱۵ آبانماه قسمت‌های فرمان سازی و ویل وکلنگ دست به اعتصاب زدند. خبر اعتصاب علیرغم تلاش مدیریت و انجمن اسلامی به دو بخش دیگر، ذوب و بخاری نیز رسید و کارگران این دو قسمت نیز به اعتصاب پیوستند.

مدیریت ابتدا تصمیم می‌گیرد که سپاه پاسداران مزدور را به کارخانه بیاورد و لسی سپس تصمیم را تغییر داده و به میان کارگران رفته و با آنها صحبت میکند. کارگران خواست‌های خود را مبنی بر افزایش دستمزد و پرداخت حق بهره‌وری مطرح میکنند. کارفرما هم بمنظور خواباندن اعتصاب کتباً تعهد می‌دهد که حقوق کارگران به روزانه ۱۰۰ تومان افزایش یابد و در روز بعد علی‌الحساب مبلغ ۲۰۰۰ تومان به کارگران بابت حق بهره‌وری پرداخت شود. در نتیجه کارگران اعتصاب خود را خاتمه میدهند. اما بعد از خاتمه اعتصاب کارفرما نه تنها این مبلغ را پرداخت نمیکند، بلکه ۶ نفر از کارگران را بعنوان عاملین اعتصاب اخراج

اخراج تنها در صلاحیت مجمع عمومی کارگران است

خواندن خانواده‌های رفقای زندانی خود به تحصن، در برابر تعرض وحشیانه رژیم استبدادی کنند.

کارگران شوند. کارگران در مقابل این اقدامات ضدکاری مدیریت عکس‌العملی نشان نداده و تنها اعفای انجمن اسلامی را تحت فشار گذاشته‌اند تا خواسته‌هایشان را پیگیری کنند.

مینماید که ۴ تن از آنان پس از سپردن تمهید به سرکار باز می‌گردند. پس از آن مدیریت است حاسوسانی را در میان کارگران می‌فرستد تا مانع شکل‌گیری اعتصابات و مبارزات بعدی

خبرهای کوتاه

اخراج دهها کارگر

کارخانه پیام (بلموند) - بعثت کمبود مواد اولیه کارخانه پیام در شرف تعطیل است و تاکنون تعداد زیادی از کارگران اخراج شده و اخراج کارگران دیگر هنوز ادامه دارد. در این میان مدیریت ابتدا کارگران پیشرو را از کارخانه اخراج نمود. مدیریت اعلام کرد که کارگران می‌توانند با حفظ حقوق خود به جها سازندگی مراجعه کنند و بوسیله جهاد و درجه‌ها بکار گماشته شوند. تاکنون استقبال چندانی از این طرح ضدکاری نشده است، و مقابله کارگران با آن بشکل فردی و بمسورت کم کاری و کارشکنی بروز پیدا کرده است.

کارخانه ایران ابزار - از واسط تبرماه مدیریت کارخانه ایران ابزار بعثت کمبود مواد اولیه شروع به اخراج کارگران میکند. ابتدا کارگران در مقابل اخراجها عکس‌العملی نشان نمی‌دهند و این امر به کارفرما اجازه میدهد که تا شهریورماه ۱۶۸ هزار کارگر را اخراج نماید. در این مقطع کارگران دست به اعتراض می‌زنند، که متأسفانه این

تحصن کارگران چوکا

برای افزایش دستمزد و دوروز تعطیلی در هفته

عمدتاً به مبارزاتی توافقی برای جلوگیری از بدتر شدن شرایط زیست و کار بدل شده، این مبارزه از خطی تعرضی برخوردار بوده و بر سر خواست طبقاتی و سراسری افزایش دستمزد و دوروز تعطیل در هفته صورت گرفته است. اما نقطه ضعف این مبارزه در اینجا است که کارگران از قبل خود را برای مقابله با اخراج و با دستگیری آماده نکرده بودند و شعارها و طرحهای عملی مناسبی را برای مقابله با چنین تعرضاتی از جانب رژیم و چگونگی ادامه مبارزه، ندارند. در صورت وجود چنین آمادگی، که تنها با کار پیگیری و نقشه‌مند کارگران کمونیست و پیشروان و رهبران عملی مبارزه قابل حصول است، کارگران میتوانند خواست آزادی رفقای دستگیر شده‌شان را نیز به مطالبات خوبیش بیفزایند و با پیگیری و با فشار برای خواست و استفاده از شیوه‌های عملی مناسبی نظیر فرا

کارگران بخش کاغذ صنایع چوب و کاغذ ایران (چوکا) واقع در استان گیلان، بخاطر پائین بودن سطح دستمزدها و خواست ۲ روز تعطیلی در هفته در تاریخ ۱۷ آبانماه دست به تحصن زدند. پس از ۳ روز توقف کار و تولید و تحصن کارگران، پاسداران سرمایه به کارخانه ریختند و در کمال وحشیگری به تحصن کارگران خاتمه داده و ۱۵ تن از کارگران را دستگیر نمودند که تاکنون خبری از آزادی آنها در دست نیست. کارگران در مقابل دستگیری رفقای خود اعتراض و مبارزه‌ای را سازمان ندادند، ولی با یکدیگر قرار گذاشتند که اگر تا یکماه بعد به خواست آنها توجهی نشود دوباره دست به اعتراض بزنند.

آنچه به مبارزه کارگران چوکا اهمیت و مکان ویژه‌ای میدهد اینست که در شرایط حاضر که رژیم اسلامی سرمایه شاق ترین شرایط کار و اختناق شدیدی را به کارگران تحمیل کرده است و در نتیجه مبارزات کارگری

بهمراه انجمن اسلامی با آنها درگیر میشوند.

با وجود اینکه تنها اقلیتی از کارگران بطور فعال وارد اختلافات و درگیری فی مابین این دو ارگان سرکوب کارخانه میشوند، لازم است بار دیگر متذکر شویم که کارگران نباید در درگیریهای فی مابین این ارگانها از هیچیک از طرفین پشتیبانی کنند، چون هرگونه پشتیبانی از این دست بنفع تشبیت آن ارگان در محیط کار و در تحلیل نهائی تحکیم حاکمیت ضدکارگری سوزووازی تمام میشود. کارگران نباید مبارزه مستقل خود را علیه مدیریت و برای انحلال ارگانهای سرکوب اسلامی در کارخانهها سازمان داده و به پیش برند. (برای بحث مفصل تر و روشنگرانه در این رابطه توجه رفا را به مقاله "درباره اختلاف ارگانهای رژیم در کارخانجات"، کمونیست شماره ۵ جلب می کنیم).

عدم امنیت جانی کارگران

در کارگاه امانی صدا و سیما جمهوری اسلامی تعداد ۶۰ کارگر در شرایطی بسیار شاق کار میکنند، روزانه تنها ۶۳/۵ تومان دستمزد میگیرند و از هر نوع امنیت جانی و کاری نیز بی بهره اند. چندی پیش ۲ تن از کارگران این بخش تحت فشار و تهدید کارفرما بدون هیچ تدبیر ایمنی مجبور می شوند داخل کانالی به عمق ۴ متر شوند. پس از ۲ ساعت کانال ریزش میکند و هر ۲ کارگر جان

اخراج میکند. کارگران برای بازگرداندن رفقای اخراجی خود دست به اعتصاب میزنند، کارفرما این بار نیز تعداد ۱۲-۱۰ نفر کارگران پیشرو دیگر را اخراج میکند. این اقدام کارفرما باعث خاتمه اعتصاب می شود.

افزایش شدت کار

در کارخانه تولیدی قوه پارس حدود ۵۰۰ نفر کارگر و کارمند زن و مرد کار میکنند. چندی قبل مدیریت تصمیم میگیرد که برای افزایش شدت کار و در نتیجه استعفا ر بیشتر کارگران تعداد کارگران شاغل در هر خط تولید را از ۵ نفر به ۴ نفر تقلیل دهد. این اقدام ضدکارگری کارفرما با اعتراض متحد زنان کارگران قسمت روبرو میشود. سپس کارفرما به حيله دیگری متوسل میشود و این بار از طریق تسریع کار خط تولید و افزایش تعداد قطعات از ۲۵ عدد در دقیقه به ۳۰ عدد برای هر کارگر به همان هدف خود دست می یابد. کارگران در رابطه با این مساله دست به اعتراض زده اند.

درگیری بین مدیریت و انجمن اسلامی و نقش کارگران

بدنبال بالا گرفتن اختلافات مدیریت و انجمن اسلامی در کارخانه بنزخاور، روز ۱۳ آبانماه درگیری زود و خورده شدیدی میان اعضای انجمن اسلامی و مدیریت و عوامل وی در میگیرد. اقلیتی از کارگران نیز که از مدیریت و عوامل حراست کارخانه دل پری داشتند

اعتراضات شکل متشکل و سازمان یافته نداشته و بیشتر بصورت فردی بوده است. پس از این اعتراضات ۱۵ نفر دیگر از کارگران نیز اخراج میشوند.

پرداخت حقوق عقب افتاده

بدنبال عدم پرداخت حقوق کارگران، کارگران کرمانشاه روز ۲۲ آبانماه بطور جمعی بعنوان اعتراض دست به کم کاری میزنند. اعتراض دستجمعی و متحد کارگران مدیریت و انجمن اسلامی را به نكايو میاندازد. اعضای انجمن اسلامی از ترس بالا گرفتن اعتراض به قم و تهران میروند و بلاخره در ۵ آذرماه حقوق مهر ماه کارگران پرداخت میشود.

مبارزه برای دریافت حق بهره‌وری

کارخانه پشمیافی کشمیر - چندی پیش کارگران این کارخانه برای دریافت حق بهره‌وری دست به اعتراض زده و نمابندگانشان را برای پیگیری مساله به تهران میفرستند.

کارخانه تولیدی نخ مدار - کارگران این کارخانه در آبانماه بعنوان اعتراض به عدم پرداخت حق بهره‌وری دست به اعتصاب میزنند، مدیریت در مقابل این عمل متحد و متشکل کارگران مجبور به عقب نشینی شده و مبلغ مورد نظر را به کارگران پرداخت میکند. ولی بمنظور جلوگیری از اعتصابات بعدی و ارباب کارگران ۳ تن از کارگران پیشرو را که در جریان اعتصاب شتابانی شده بودند،



در کردستان انقلابی...

بیرامون درگیری های نظامی کومه‌له و حزب دموکرات

مقدمه :

در تاریخ ششم بهمن در منطقه اورامان یک درگیری نظامی میان پیشمرگان سازمان کردستان حزب کمونیست ایران (کومه‌له) و حزب دموکرات کردستان ایران روی داد که طی آن حداقل ۳۸ نفر از پیشمرگان حزب دموکرات کشته و ۱۲ تن از رفقای پیشمرگ ما جان خود را از دست دادند. صدای انقلاب ایران از زمان درگیری تاکنون مرتباً ضمن بحث‌های اخبار مربوط به این درگیری، طی بحث‌ها و گفتارهای سیاسی خود در رابطه با زمینه و علل این درگیری به تفصیل صحبت کرده‌است.

ما در اینجا ضمن نقل بخش کونا‌هی از یکی از گفتارهای صدای انقلاب ایران که در تاریخ ۷ بهمن ماه بحث‌ها مختصراً به جنگی و علت وقوع این درگیری اشاره می‌کنیم، سپس بمنظور روشن‌تر شدن این مسأله "اطلاعیه کمیته اورامان (کومه‌له) در باره رویداد ۶ بهمن" و "اطلاعیه نمایندگان کومه‌له در هیئت مشترک تحقیق رویداد اورامان"

های مختلف‌نافی بهمانند: اما اگر حزب دموکرات عملاً مهر تأیید بر تمام اعمال مسئولین خود در اورامان بگذارد و به دفاع از جناحیتکاران این رویداد برخیزد، در آنصورت ما حق بی چون و چرای خود میدانیم که نیرو و قدرت ملخ سازمان یافته، رحمکشان آگاه کردستان، نیروی پیشمرگ کومه‌له را برای مقابله با چنین جنایت و وحشیگری و برای دفاع از دستاوردهای دموکراتیک جنبش انقلابی کردستان بکارگیریم. و بر مبنای این اصل دست هر جناحیتکاری را که تعرض و ضربه‌زدن به نیروی پیشمرگ کومه‌له را هدف خود قرار داده و عملاً به آن دست می‌زنند، قطع می‌کنیم.

ما مواضع فوق را بدنبال رویداد ۲۵ آبان‌ماه اورامان اعلام کردیم و گفتیم بسته به موضعی که رهبری حزب دموکرات درقبال رویداد اورامان اتخاذ میکند، کومه‌له هم درباره انتخاب یکی از این دو راه تصمیم خواهد گرفت. اما موضع حزب دموکرات درقبال رویداد اورامان چگونه بوده‌است؟

رهبری حزب دموکرات در تبلیغات رسمی و رادیویی خود نه تنها یکبار هم به واقعیات رویداد اورامان اعتراف نکرد، بلکه با اظهاراتی از این قبیل که "در دعوا حلوایش نمیشود و هر طرفی که نیروی بیشتری دارد، پیروز میشود"، در حقیقت مهر تأیید خود را بر اعمال جنایتکاران اورامان می‌گذاشت. همچنین در جلسه هیئت تحقیق

را بجا پ میرسانیم. " ... در گفتار، امروز به این مسأله می‌پردازیم که کومه‌له تاکنون درقبال تعرضات حزب دموکرات چه‌نیاسنی درپیش گرفته‌است.

همه مردم کردستان در جریان اند که کومه‌له بدنبال فاجعه ۲۵ آبان‌ماه اورامان خواست عادلانه‌ای را در مقابل حزب دموکرات گذاشت که مبنی بر این بود که عاملین جنایت اورامان معرفی شوند تا به مجازات برسند. هدف کومه‌له از طرح این خواست مشخص آن بود که از این طریق از تکرار تعرض حزب دموکرات جلوگیری شود. ما در آنموقع گفتیم که اگر حزب دموکرات پیشنهاد ما برای معرفی عاملین این جنایات و مجازات آنها را بپذیرد و نشان دهد که این اعمال را تأیید نمی‌کند و برای جلوگیری از تکرار چنین رویدادها شای گام جدی برمی‌دارد، رابطه ما و حزب دموکرات می‌تواند در چهارچوب مبارزه سیاسی دو حزب سیاسی دارای ایدئولوژی

موضعیگری نمایندگان —
دموکرات به سها درجهت روس
کردن واقعیات رویداد اورا مان
نمود. بلکه آنها مستقیما تلاش
میکردند که با دمع الوقت و به
تعویق انداختن تحقیق کاری
کنند که رویداد اورا مان مشمول
مرور زمان گشته و از طرف
مردم کردستان به فراموشی
سپرده شود و حتی فرائر از آن
برای برده پوئی جنابیات
اورا مان اریح تلاشی دریغ
ننمودند. ... حزب دموکرات
بدین ترتیب هیچ راه حل سیاسی
مسالمت آمیز برای فیصله
بخشیدن به مساله اورا مان باقی
نگذاشت.

این گفتار سپس به سیاست
جنگ افروزانه حزب دموکرات
و تحمیل درگیری های متعدد و
انخاذ سیاست مشابه در هر یک از
این درگیری ها توسط حزب
دموکرات در بیکال و نیم اخیر
اشاره میکند و آنگاه چنین
نتیجه میگیرد:

"در چنین شرایطی، یعنی در
شرایطی که حزب دموکرات جنگ
افروزی علیه کومه له را همچون
سیاست رسمی و آشکار خود در پیش
گرفته و در را بروی هرگونه راه
حل سیاسی و مسالمت آمیز بسته
است، آیا پاسخ ندادن و مقابله
نکردن با این سیاست عملا موجب
نخواهد شد که دست حزب دموکرات
برای تعرض به پیشمرگان کومه له
هرجا و هر وقت که خواست ساز
شود؟

سیاست جنگ افروزانه و ضد
دموکراتیک حزب دموکرات،
سیاست ضربه زدن به کومه له،

ضعیف کومه له، سیاست برپا
کردن جنگ سراسری در کردستان،
که حزب دموکرات با افتخار و
سربلندی از آن سخن میگوید،
ضربه و زیان فراوان بر زحمت
کشان کردستان و جنبش انقلابی
خلق کرد وارد مینماید. این
واقعیات آشکاری است که همه
توده های مردم کردستان در
تحریر، مستقیم خود با آن روبرو
گشته و درس گرفته اند. با همه
اینها کومه له با زهم برساست
خود مبنی بر جلوگیری از گسترش
درگیری مسلحانه با حزب
دموکرات با برجاست و صبح روز
گذشته بدنبال دریافت خبر این
درگیری مجدد، کمیته مرکزی
کومه له بلافاصله طی نامه ای به
دفتر سیاسی حزب دموکرات خواهان
مذاکره در جهت متوقف کردن
درگیری فیما بین شد؛ و بنا بر
این مسئولیت هرگونه تعلل و
سر باز زدن از حل سیاسی مسائل
این بار هم کاملا به عهده حزب
دموکرات می باشد."

لازم به تذکرات که طی این
مدت چند درگیری دیگر نیز در
جنوب کردستان میان پیشمرگان
کومه له و حزب دموکرات اتفاق
افتاده است، که سازمان کردستان
حزب کمونیست ایران (کومه له)
در قبال این درگیری ها نیز ضمن
اعلام آماده باش به نیروی
پیشمرگ خود در سراسر کردستان،
دگر بار تاکید نموده است که از
آنجا که حزب دموکرات از انجام
مذاکره آتش بس سر باز میزنند
مسئولیت هرگونه درگیری نظامی
میان پیشمرگان دو سازمان
بر عهده حزب دموکرات خواهد
بود.

اطلاعیه نمایندگان کومه له در هیئت مشترک تحقیق رویداد اورا مان

مردم مبارر کردستان!
همانطور که اطلاع دارید پس
از رویداد ۲۵ آبان ماه اورا مان
و بدنبال مذاکره بین کمیته
مرکزی کومه له و دفتر سیاسی حزب
دموکرات کردستان ایران قرار
برایین گذاشته شد که هیئتی
مشترک برای تحقیق در باره
رویدادهای روز ۲۵ آبان تشکیل
شود و این هیئت روز ۱۰ آذر ماه
به اورا مان برود.

این هیئت که از دو نماینده
حزب دموکرات و دو نماینده
کومه له در سطح رهبری و همچنین
۲ نماینده اتحادیه میهنی
کردستان عراق تشکیل یافته بود
روز ۱۲ آذر ماه کار خود را در روستای
شوشه، پاشین در اورا مان آغاز
کرد. در ابتدای کار، هیئت تحقیق
رئوس شیوه کار خود را تا نیل
به نتیجه گیری از چگونگی واقعه
اورا مان و نیز شناسائی عاملین
آن مشخص کرد که با مفای نمایند
گان هر سه طرف رسید و پس از آن
هیئت به بازدید از محل وقایع
پرداخته و با تحقیق از تعدادی
از مسئولین و پیشمرگان کومه له
و حزب دموکرات کردستان ایران
و نیز تعدادی از مردم محل به
کار خود ادامه داد و شب ۲۴
آذر ماه با امضاء و رسمیت دادن
به تمام اسناد به تحقیقات خود
پایان داد. هیئت قرار گذاشت
جلسه دیگری برای نتیجه گیری

از این تحقیقات تشکیل دهند. این جلسه روز اول بهمن ماه ۶۳ با این هدف که هیئت مشترک تحقیق به نتیجه گیری نهائی برسد تشکیل شد. اما علیرغم کوشش زیاد نمایندگان کومله و اتحادیه میهنی کردستان عراق، متأسفانه نمایندگان حزب دموکرات به هیچ شیوه ای حاضر نشدند نتیجه گیری خود را به هیئت تحقیق اعلام کنند. در این جلسه نمایندگان حزب دموکرات تمام قرارهای هیئت تحقیق را در مورد مسأله نتیجه گیری از رویداد اورامان که در صورت جلسات روز ۱۲ آذرماه، ۱۶ آذر و ۲۴ آذر مندرج بوده و خود نیز امضاء کرده بودند، زیر پا نهادند. نمایندگان حزب دموکرات کردستان ایران با این کار نکستی آشکار عملاً هیئت تحقیق را بدون اینکه به هیچ نتیجه گیری برسد به بن بست رساندند. لازم به توضیح است که نمایندگان حزب دموکرات کردستان ایران از آغاز تا پایان کار هیئت تحقیق با سیاست دفع الوقت و ایجاد محدودیت و به تعویق انداختن جلسات، آشکارا در سر راه هیئت تحقیق مانع ایجاد کردند تا بدین ترتیب تا حد توانائی خود حقایق مربوط به وقایع اورامان را از مردم کردستان پنهان کنند. برای مثال در شرایطی که مردم کردستان مدت ها چشم انتظار نتیجه کار هیئت تحقیق بودند نمایندگان حزب دموکرات در جلسه روز ۲۴ آذر اصرار میکردند که برای نتیجه گیری به آنها ۱۸ روز

فرصت داده شود. ما نمایندگان کومله مخالفت کرده و بر ضرورت نتیجه گیری سریع تاکید کردیم. اما حتی بعد از سپری شدن آن ۱۸ روز نمایندگان حزب دموکرات در مقابل درخواست کومله برای تشکیل جلسه نتیجه گیری مجدداً به دفع الوقت پرداختند و باعث شدند که جلسه هیئت تحقیق برای نتیجه گیری بعدت ۳۶ روز به تعویق افتد و سرانجام هنگامیکه در جلسه روز اول بهمن شرکت کردند علیرغم تاکید ما و نمایندگان اتحادیه میهنی کردستان عراق و علیرغم کوشش وحسن نیت نمایندگان اتحادیه میهنی و ارائه چندین پیشنهاد از طرف آنان برای نتیجه گیری که همه آن پیشنهادات از سوی ما بمنظور به سرانجام رساندن کار هیئت تحقیق مورد موافقت قرار گرفتند نمایندگان حزب دموکرات بطور ثابت با تمام پیشنهادات، یک بیگ، مخالفت کردند و حاضر به اعلام نتیجه گیری خود نشدند و بدین ترتیب متأسفانه باعث شدند که نتیجه گیری بعمل نیاید و کار هیئت مشترک نیز سرانجام خاتمه یابد. لازم به گفتن است که ما نمایندگان کومله متن نتیجه گیری خود را به نمایندگان اتحادیه میهنی کردستان عراق دادیم و همچنین گزارش نمایندگانی که توسط اتحادیه میهنی دربارہ چگونگی رویداد اورامان برای هیئت تحقیق قراش کردند نزد ما موجود است. ما به مناسبه تشکیلات کومله این وظیفه را برعهده خود داشتیم که چگونگی

رویداد اورامان هرچه زودتر برای مردم کردستان و برای مردم ایران روشن شود و اجازه ندهیم که هیچ جنایتکاری در جنبش انقلابی کردستان تحت هر نامی که باشد خود را از خشم و نفرت خلق انقلابی کرد پنهان سازد. اما نمایندگان حزب دموکرات همان کاری را کردند که از آغاز در دستور خود گذاشته بودند، یعنی به تعویق انداختن تحقیقات و پنهان ساختن حقایق مربوط به رویدادهای اورامان، تا آنجا که در توانشان بود و بالاخره به هیئت تحقیق نگفتند که رویداد ۲۵ آبان اورامان در نظر آنان چگونه بوده است. از اینرو ما نمایندگان کومله در اینجا چکیده نظرات خود را به آگاهی مردم مبارز کردستان می رسانیم: این نتیجه گیری طبق سیر رویدادهای اورامان به اختصار چنین است:

۱) سپیده دم ۲۵ آبان ساعته ۶ تا ۶ و ربع تعدادی از پیشمرگان کومله برای روانه کردن چند خانواده که از نوسود به پاوه میرفتند، از شهر نوسود خارج میشوند. دمحلی بنام "قهلوز" واقع در ۷۰۰ متری شهر نوسود پیشمرگان حزب دموکرات که قبلاً در همان محل مستقر شده بودند راه را بر پیشمرگان کومله گرفته و به بهانه تفتیش وسایل خانواده ها میکوشند با ایجاد جوارع اسباب پیشمرگان کومله را وادار به درگیری سازند. اما وقتی موفق به اینکار نمیشوند خود مستقیماً به پیشمرگان کومله تیراندازی

میکند.

(۲) بلافاصله پس از تیراندازی در "فهلوز" پیشمرگان حزب دموکرات بوسیله آر. پی. سی سلاحهای دیگر مقرر کومله در نوسود را مورد تعرض قرار می دهند که در نتیجه یکی از پیشمرگان کومله بنام ادریس محمدی شهید میگردد پیشمرگ دیگری زخم برمیدارد و ۴ پیشمرگ دیگر کومله نیز با سارت گرفته می شوند، مقرر کومله هم تماماً توسط پیشمرگان حزب دموکرات تصرف میشود و کلیه وسایل داخل آنرا می برند. در این جریان یکی از پیشمرگان حزب دموکرات زخمی میشود.

(۳) پس از تصرف مقرر یکی از پیشمرگان کومله بنام دارا احمدی در باغهای نوسود به محاصره تعداد زیادی از پیشمرگان حزب دموکرات در میآید و در حالیکه زخمی بوده است توسط پیشمرگان حزب دموکرات اعدام میگردد.

(۴) ما بین ساعت ۳ و ۳ و نیم بعد از ظهر تعدادی از مسئولین و پیشمرگان حزب دموکرات چهار پیشمرگ امیر کومله بنام های طلبیعه، علی رماشی، علی آرمان (مشهور به علی فارس)، عبید صوفیه و مدریک یوسفی (مشهور به ریموار پالنگانی) را از زندان بیرون آورده و به محلی بنام "دره هرات" در ۵۰ متری شمال غربی شهر نوسود میبرند و در آنجا آنان را به رگبار بسته و اعدامشان میکنند.

(۵) ساعت ۴ بعد از ظهر تعداد زیادی از پیشمرگان حزب دموکرات به تعقیب پیشمرگان کومله در باغهای قسمت پائین نوسود پرداخته و آنان را مورد یورش قرار میدهند و درگیری ایجاد میشود. در این درگیری یکی از پیشمرگان کومله بنام بختیار خالدي که موفق به عقب نشینی نشده بود و خود را تسلیم پیشمرگان حزب دموکرات نموده بود، بعد از چند دقیقه در همانجا بدست پیشمرگان حزب دموکرات اعدام میشود. در این درگیری ۱ تن از پیشمرگان حزب دموکرات نیز بنام علی رفسانی شهید میشود.

(۶) ساعت ۷ و نیم صبح همان روز بدنبال یورش به مقرر کومله در نوسود پیشمرگان حزب دموکرات در شوشه نیز در حالیکه از قبل در بلندیها و بر سر راهها مقرر شده بودند یورش به سوی کمیته تشکیلات اورا مان کومله را آغاز میکنند که به درگیری انجامید. و در نتیجه این درگیری ۲ پیشمرگ حزب دموکرات بنامهای ثروت احمدی، ولیسی عوضی، و دو پیشمرگ کومله به نامهای رحیم الهی و امام محمد باوان شهید میشوند. و مقرر کومله نیز بتصرف پیشمرگان حزب دموکرات در میآید.

(۷) پیشمرگان حزب دموکرات پس از تصرف مقرر کمیته کومله در اورا مان تمام وسایل آنرا میدزدند و مقرر را به آتش میکنند.

(۸) در همان ساعات پیشمرگان حزب دموکرات در بلندیهای پشت مقرر کومله، دو پیشمرگ کومله بناهای نصرالله بهمنی و سعید محمدی (مشهور به توفیق) را که مجروح بدستشان میافتند به رگبار بسته و هر دو را اعدام میکنند.

(۹) پیشمرگان حزب دموکرات یک پیشمرگ زخمی کومله بنام شیخ علی و یک پیشمرگ پزشکیار کومله بنام فرح ادمین را کسه در چادر درمانگاه کومله در ۲۰ متری مقرر بودند اعدام کرده و چادر درمانگاه را با چنانه های این دوشهید به آتش میکنند.

(۱۰) در جریان رویدادهای ۲۵ آبانماه اورا مان تشکیلات حزب دموکرات در اورا مان تعداد زیادی از جوانان کومله را دستگیر میکنند و ضمن اذیت و آزار و اهانت روانه مقرر کمیته شهرستان حزب دموکرات در دره تپه کرده و آنها را زندانی می کنند.

(۱۱) پیشمرگان حزب دموکرات در اورا مان وقایع روز ۲۵ آبانماه را با نقشه و توطئه قبلی و بمنظور برچیدن تشکیلات کومله از اورا مان تدارک دیده بود. سیر رویدادها از قبل از درگیری تا آخر بروشنی وجود نقشه و توطئه از قبل طرح ریزی شده تشکیلات اورا مان حزب دموکرات بر علیه پیشمرگان کومله را اثبات میکند.

آمد. پایگاههای عراق که سر همه ارتفاعات منطقه مسلط بودند، شروع به کوبیدن سنگرهای ما کردند و همزمان به نیروهای حزب دمکرات اجازه دادند که با استفاده از ارتفاعات و امکانات پایگاهها و پشتیبانی آتش توپخانه و قناسه آنها، به طرف سنگرهای ما پیشروی کنند.

در این جریان تعداد دیگری از رفقای ما به شهادت رسیدند و بر اثر فشار دو جانبه، پیشمرگان کومهله ناچار شدند ارتفاعات را ترک کنند و بدین ترتیب در ساعت ۴ بعد از ظهر روز ۶ بهمن درگیری به پایان رسید.

مردم مبارز شهرهای پاوه، نوسود، نودشه! زحمتگان منطقه اورامان!

ما برای دفاع از دمکراسی، دفاع از دستاوردهای جنبش انقلابی کردستان و دفاع از منافع و مصالح شما راهی برایمان باقی نماند، جز اینکه مطحانه به تعزفات حزب دمکرات در اورامان پاسخ بدهیم. کومهله پشتیبان حقوق و مبارزات شما در برابر هر تجاوزگری است که بخواهد حقوق شما را باهمال کند. ما از شما دعوت میکنیم که برای دفاع از حقوق خود، دفاع از دمکراسی و آزادی و نیل به پیروزی هرچه بیشتر به دور کومهله گرد آئید و به هر شیوه‌ای که میتوانید علیه سیاستهای ضد دمکراتیک و ضد زحمتکشی حزب دمکرات به اعتراض برخیزید.

کمیته اورامان ۷ بهمن ۶۳

و مدارک مربوطه جهت اطلاع بیشتر مردم کردستان چاپ و منتشر خواهیم کرد.

نمایندگان کومهله در هیئت مشترک تحقیق رویداد اورامان فاروق بابامیری
فاتح شیخ الاسلامی

سوم بهمن ۶۳

۱۲) مشغلات، زمین فاجعه اورامان در تشکلات اورامان حزب دموکرات از طرف نمایندگان کومهله با تمام اسناد و مدارک به کمیته مرکزی کومهله تسلیم گردید. در پایان اعلام میداریم که بزودی متن تکمیلی این نتایج را همراه با تمام اسناد

اطلاعیه کمیته اورامان (کومهله) در باره رویداد ۶ بهمن

راهی جز پاسخ تعرض با تعرض نداشتیم. رویداد ۶ بهمن اورامان در نتیجه رد هرنوع راه حل مسالمت‌آمیز از جانب حزب دمکرات به وقوع پیوست و این ادامه تلاشی بود که ما برای دفاع از دمکراسی و فعالیت آزادانه سیاسی در برابر تعرض نظامی حزب دمکرات در پیش گرفتیم. درگیریهای پیشمرگان کومهله و حزب دمکرات در "اورامان" با مداد ۶ بهمن آغاز شد و تا ساعت ۴ بعد از ظهر همین روز ادامه داشت. در جریان درگیریهای با مداد ۳ پیشمرگ کومهله به شهادت رسیدند و مقرهای نیروهای حزب دمکرات در اورامان متحمل ضربات سنگینی شدند. از آغاز با مداد پیشمرگان کومهله در ارتفاعات استراتژیک اورامان مستقر میشوند و آن ارتفاعات را در دست میگیرند، اما از ساعت ۸ با مداد به بعد تغییر در صحنه درگیریها بوجود

آورده‌های مردم کردستان، کارگران و زحمتگان، مردم مبارز اورامان!

حزب دمکرات کردستان ایران بابی شمر گذاشتن همه تلاشهای کومهله برای حل مسالمت‌آمیز فاجعه ۲۵ آبان اورامان و به بن بست کشاندن کار هیئت تحقیق عملاً نشان داد که نمی‌خواهد از سیاست جنگ طلبانه خود علیه کومهله دست بکشد و جنایت کارانی را که در روز ۲۵ آبان، جنایت‌کشتر پیشمرگان کومهله را در "اورامان" آفریده‌اند معرفی نماید، و بدین ترتیب راه را بر تکرار چنین رویداد هائی باز میگذارد.

حزب دمکرات از آخرین فرصتی که کومهله داده بود استفاده نکرد و راهی جز مطحانه به سیاست جنگ طلبانه حزب دمکرات باقی نگذاشت و بدین ترتیب ما برای دفاع از خودمان و از فعالیت سیاسی مان

مردم کردستان طی قطعنامه‌ها جنایت حزب دموکرات را محکوم کردند

مجازات عاملین جنایت اورامان خواست مردم کردستان است.

در دو شماره پیش خبر و گزارش مختصری از جنایت وحشیانه حزب دموکرات کردستان ایران علیه پیشمرگان سازمان کردستان حزب کمونیست ایران (کومه‌له) در منطقه اورامان را منتشر کردیم. طی این مدت مردم زحمتکش و مبارز روستاهای متعددی از کردستان طی جلساتی به بحث پیرامون این جنایت و اقدام ضدانقلابی حزب دموکرات پرداخته و طی قطعنامه‌ها آنرا محکوم نموده و خواهان معرفی و مجازات مسببین آن شده‌اند. تاکنون قطعنامه‌های صادره توسط مردم ۳۷ روستای کردستان بدستمان رسیده است.

ما در اینجا بعنوان نمونه یکی از این قطعنامه‌ها را درج می‌کنیم:

سازمان کردستان حزب کمونیست ایران و حزب دموکرات کردستان ایران

پس از اسلامهای انقلابی، و آرزوی پیروزی خلق ستمدیده کرد!
ما مردم روستاهای "تازه‌شاوای مجیدخان، گولانه، احمدآباد گولانه، تنی‌تاخ، تازه‌آباد قدیم، گل‌سور، شیخ‌خبر، حسین‌آباد، دره و بان، میشیاو، کاشی‌کوو، تازه‌ده، حاجی‌موسی، تازه‌آباد آصف در ناحیه دیواندره،

۱- درگیری میان کومه‌له و حزب دموکرات را تنها در جهت منافع دشمنان خلق کرد دانسته و بهمین جهت این درگیری را محکوم می‌نمائیم.

۲- برای پشتیبانی از جنگ در میان حزب دموکرات و کومه‌له، از حزب دموکرات میخواهیم عاملین رویداد تاسف‌آور اورامان را که باعث شهیدشدن و اعدام ۱۳ پیشمرگ کومه‌له گردید به خلق کرد معرفی نماید و این عاملین مجازات شوند.

۳- دفاع از دموکراسی و آزادی بی‌قید و شرط سیاسی، دفاع از انقلاب آزادیبخش خلق کرد بوده و هر نیروی انقلابی در عمل تپسز باید مدافع آزادی و دموکراسی باشد.

اعضا

عملیات پیشمرگان

کومه‌له در شهرهای

مهاباد و بیجار

- بخش‌هایی از شهر مهاباد

۴ شب متوالی در تصرف پیشمرگان

کومه‌له بود

- مقر سپاه پاسداران شهر بیجار

بوسیله پیشمرگان کومه‌له

محاصره شد

پیشمرگان سازمان کردستان

حزب کمونیست ایران (کومه‌له)

از گردان ۲۴ مهاباد ۴

متوالی از تاریخ ۲۷ تا ۳۰ آذر

ماه و همچنین در تاریخ ۱۵ آذر

چهارم و ششم بهمن پس از عبور

از میان مراکز متعدد رژیم

وارد شهر مهاباد شدند و بخش

هایی از شهر را به کنترل خود

درآوردند. در این عملیات

رقبای پیشمرگ ضمن سازمان‌دادن

جملاتی علیه نیروهای مزدور

رژیم، درباره اوضاع سیاسی

نظامی کردستان و سیاستها و

مواضع کومه‌له با مردم به صحبت

پرداختند. مردم مبارز شهر مهاباد

مانند گذشته از رقبای پیشمرگ

به‌گری (مکالی) کرده و در خانه

های خود را از آنها پذیرا نمی

نمودند.

همچنین رقبای پیشمرگ از

گردان کاوه در تاریخ اول

دیماه وارد شهر بیجار و در عمق

مناطق تحت تسلط رژیم در

کردستان شده، ضمن به کنترل

پیروزی‌ها جنبش انقلابی خلق کرد!

تصرف دو پایگاه دشمن در شمال کردستان

است و بعثت موقعیت حساس خود در میان تعدادی پایگاه و مراکز نظامی رژیم محصور میبایست. رفقای پیشمرگ در مرحله اول عملیات تصرف پایگاه گنگه‌چین افراد سیخ این روستا را نیز خلع سلاح نمودند.

طی این دو عملیات تصرف پایگاه‌های دشمن ده‌ها قبضه سلاح و غنائم دیگر بدست رفقای پیشمرگ افتاد و ده‌ها تن از عوامل رژیم به اسارت پیشمرگان درآمدند. همچنین تعدادی از افراد دشمن از پای درآمدند.

جوله موفقیت آمیز پیشمرگان کومه‌له در اطراف ارومیه

برنامه و اهداف حزب کمونیست و اعلامیه حقوق پایه‌ای مردم زحمتکش در کردستان به زیادهای کردی و ترکی صحبت میکردند و در میان آنها شریات حزبی را توزیع مینمودند. بطور نمونه رفقا در تاریخ ۶ دیماه بمدت ۴ ساعت در شهرک "ترزلیان" در ۳ کیلومتری شهر ارومیه با مردم به صحبت و گفتگو نشستند.

رفقای پیشمرگ همچنین ضربات نظامی نیز بر نیروهای دشمن وارد آورده و تعدادی از عوامل رژیم را شانسائی و دستگیر کردند.

رفقای پیشمرگ ارگردان ۲۳ ارومیه طی دو عملیات متهورانه در تاریخهای ۲۵ دیماه و چهارم بهمن پایگاه "گنگه‌چین"، واقع در روستای "گنگه‌چین" در ۳ کیلومتری حادسین المللی ارومیه - ترکیه و پایگاه دیگر رژیم واقع در روستای مغول در ۴ کیلومتری همین حاده و ۲۰ کیلومتری شهر سلماس را تصرف کامل نمودند و آوردند.

لازم بذکر است که روستای گنگه‌چین بزرگترین و پرجمعیت ترین روستای منطقه برادوست

رفقای پیشمرگ در اوائل دیماه یک جوله سیاسی - نظامی را در اطراف شهر ارومیه آغاز نمودند. رفقا طی این جوله به شهرک و روستاهای بسیاری در مسیر جاده بین المللی ارومیه -

ترکیه و ارومیه - سلماس رفتند و روستاهائی که برخی از آنها تنها چند کیلومتر با شهر ارومیه فاصله دارند و از نظر نظامی مناطقی بسیار حساس محسوب میشوند. طی این جوله‌ها رفقا چندین ساعت در محل توقف میکردند و رفقای مبلغ و مروج حزبی برای مردم در رابطه با

در آوردن ۲ محله شهر. مقر سپاه پاسداران در مرکز شهر را سه محاصره خود درآوردند و خسارات و تلفاتی بر نیروهای رژیم وارد آوردند. رفقای پیشمرگ همچنین در میان استقبال گرم مردم برای آنها سخنرانی نمودند.

تصرف پایگاه سپی‌بن

رفقای پیشمرگ از شب ۱۱ سنج شبانگاه دوازدهم دیماه در میان برف و سرمای شدید پایگاه "سپی بن" واقع در ناحیه "زاوه رود" در جنوب کردستان را طی عملیات سریعی به تصرف درآوردند و تلفات و خسارات بسیاری بر نیروهای دشمن وارد کردند. طی این عملیات غنائم بسیاری نیز بدست رفقای پیشمرگ افتاد.

منافقان در این عملیات متهورانه و موفق رفیق میکائیل عبدی نژاد، پیش عضو حزب کمونیست ایران جان باخت. منافقان در این رفیق فداکار و انقلابی راه کارگران و زحمت کشان، به رفقای حزبی و خانواده وی تسلیم میگوئیم. بیادش گرامی باد.

تصحیح و بپوش

در کمونیست ۱۵ قسمت پاسخ به نامه‌ها ستون سوم صفحه ۳۸ سطر ۱۵ مطلب زیر جا افتاده که بدینوسیله تصحیح میشود. "،، انکشاف یافته است. در سطح جهانی نیز ریزوینوم و آپورتونیم درین بست قرار گرفته و در شرف اضمحلال است و اینک جنبش احیاء لنینیسم یک پدیده بین المللی است. حزب کمونیست ایران در سطح جهانی خود را متعلق به این جنبش بین میدانند."

زنده باد حق ملل در تعیین سرنوشت خویش

مقدمه :

در آذر و دیماه ۶۳ حزب کمونیست ایران، دستگیرهای کردستان انقلابی، در نبرد علیه رژیم اشغالگر جمهوری اسلامی و در مبارزه در راه استقلال در ماکراسی انقلابی و سوسیالیسم ۱۷ تن از رفقای خود را از دست داد.

در اینجا ما ضمن معرفی این رفقا، در سالگرد شهادت رفیق رضا جوادی، کارگر کمونیست و انقلابی، شرح حال مختصری از زندگی او را که سراسر مبارزه علیه ستم و استثمار نظام سرمایه‌داری بود و همچنین یاد نامه رفیق موسی شیخ الاسلامی عضو حزب کمونیست ایران و پیشمرگ رزمنده و انقلابی کومه‌له را به چاپ می‌رسانیم.



گرامی باد یاد هم‌رزم کمونیست

رفیق

موسی شیخ الاسلامی

پنجم شهریور ماه گذشته، حزب کمونیست ایران یکی از بهترین و خستگی‌ناپذیرترین رفقای خود و زحمتکش کردستان یکی از رهبران دلسوز و آگاه خود را از دست دادند. رفیقی که تمام زندگی خود را مبادفانه به شروشت و منافع طبقه کارگر و حزب پیشروش گره زد.

رفیق موسی در سال ۱۳۳۱ در یک خانواده روحانی در شهر



گرامی باد یاد جانباختگان راه سوسیالیسم

کمونیستها جان باختگان خود را در هاله‌ای از تقدیر خرافی و مذهبی نمی‌بینند، زیرا جانبازی در راه راهی لازمه بهروزی طبقه‌ای است که هر روز و هر ساعت نوجوانانش، پیرسردان و پیرزنانش و میلیونها زن و مردش در کارخانه‌ها، معادن و مزارع و در کل بدویتی که به‌روزوازی آن را جامعه نامیده است، می‌میرند و زنده میشوند.

جان باختگان کمونیست گرامی و فراموش‌ناشدنی‌اند، زیرا در راهی تا به آخر جنگیده و بازتابنده‌اند که خود گرامی و مقدس است:

راه راهی طبقه کارگر و کل بشریت از نظام استثمار روستم سرمایه‌داری و بی‌افکندن جامعه‌ای نوین و شایسته انسان آزاد، اگر کمونیستها در زندگی هر روزه خود آموزگار کارگران در امر انقلاب راه شیبش کمونیستی‌اند، کمونیست‌هایی که قهرمانانه در این راه به استقبال مرگ می‌شتابند، گرامی - ترین آموزگار باشند، زیرا آنان استیمال، زبونی و ناستوایی به‌روزوازی و بی‌حاصلی دستگاه قهر و سرکوب را در برابر اراده استوار کارگران انقلابی به روشنترین وجه به ثبوت می‌رسانند. گرامی باد جان باختگان راه سوسیالیسم!

دروود بر انقلابیون کمونیستی که دستگیرهای کردستان انقلابی و درسیاه‌چالهای جمهوری اسلامی جان خود را در راه آزادی و سوسیالیسم فدا کردند.

- ۱ - خالد ولایتی
 - ۲ - خالد آرایش
 - ۳ - علی محمدزاده
 - ۴ - طاهر خورشیدی
پیش‌مضوح ک.ا. و فرمانده یک دسته از پیشمرگان
 - ۵ - کمال رحمان پور
 - ۶ - حسین خالدی
- پیشمرگان انقلابی کومه‌له که در تاریخ ششم آذرماه ۶۳ در جریان عملیات متهورانه تصرف مقر دشمن در روستای زربینه در ناحیه دیواندره جان خود را از دست دادند.
- پیشمرگان آگاه و رزمنده کومه‌له که در تاریخ ششم آذرماه ۶۳ در مقابل با یورش وحشیانه مزدوران رژیم اسلامی به روستاهای ناحیه مها باد جان باختند.

- ۷ - حسین اسدی
پیش عضو ک.ک.ا
- ۸ - سیف‌الله هزیری زاده
عضو ک.ک.ا و
مشول سیاسی پهل
- ۹ - کریم عبدالهی
عضو ک.ک.ا و
فرمانده پهل
- ۱۰ - محمود ابراهیم زاده
عضو ک.ک.ا و
معاون فرمانده پهل
- ۱۱ - نعمت جولائی
پیش عضو ک.ک.ا
- ۱۲ - میکائیل عبیدی نژاد
پیش عضو ک.ک.ا
- ۱۳ - جبار لعاف دوزیان
- پیشمرگ انقلابی و مبارز کومه‌له کسه
در تاریخ هجدهم آذرماه ۶۳ در نبرد
علیه مزدوران رژیم در بخش کوماسی
مربوان به شهادت رسید.
- پیشمرگ آگاه و انقلابی کومه‌له کسه
در تاریخ بیست و دوم آذرماه ۶۳ در
مقابله با هجوم نیروهای دشمن به
شمال کردستان جان خود را از دست
داد.
- پیشمرگ جسور و انقلابی کومه‌له کسه در
تاریخ بیست و ششم آذرماه ۶۳ در
یک نبرد حماسی و نابرابر با مزدوران
رژیم، در حالیکه تنها دوتن از رفقای
خود را به همراه داشت، بدنبال یک
نبرد قهرمانانه جان باخت.
- پیشمرگ آگاه و رزمنده کومه‌له کسه در
تاریخ ۱۱ دیماه ۶۳ در جریان تعرض
متهورانه علیه نیروهای جمهوری
اسلامی در جاده روستای قره‌کویز -
خولامالی (غرب سوکان) شهید شد.
- پیشمرگ انقلابی کومه‌له کسه در تاریخ
۱۱ دیماه ۶۳ در جریان شب‌زوری
قهرمانانه با نیروهای جمهوری
اسلامی در روستای عمرآباد واقع در
۸ کیلومتری شهر نهاوند مجروح شد
و در تاریخ ۱۳ دیماه ۶۳ جان باخت.
- پیشمرگ آگاه و مبارز کومه‌له کسه در
تاریخ ۱۵ دیماه ۶۳ در جریان تصرف
یکی از مراکز رژیم در روستای
"سپی سن" واقع در زاوه رود سنندج
جان خود را از دست داد.
- پیشمرگ جسور و رزمنده کومه‌له کسه در
تاریخ ۱۸ دیماه ۶۳ در جریان یک
رویارویی تند با نیروهای جمهوری
اسلامی در روستای "بنگتیرخ" از توابع
دیواندره به شهادت رسید.
- مربوان متولد شد. تحصیلش را
تا سوم دبیرستان در آن شهر و
سپس در تهران ادامه داد.
- او نخست با آگاهی بیستم ملی
و سپس بویژه در دوران تحصیلش
در تهران در سالهای ۴۰ و ۴۱ با
آشنائی با دانشجویان انقلابی
با مبارزه سیاسی و با مارکسیسم
در رابطه با رفقای کومه‌له آشنا
گردید.
- او پس از اتمام تحصیل، در
یکی از روستاهای مربوان به
شغل معلمی پرداخت. زمینکشان
روستای "برده‌رشته" در حومه
شهر مربوان این معلم انقلابی
خود را همواره بنیاد دارنسد.
- رفیق موسی در میان آنان نه تنها
یک معلم، که رهبری بود که با
زمینکشان می‌جوشید، آگاهان
می‌شود و روحیه‌شان را رزمنده
بار می‌آورد و در مبارزه‌شان
علیه مالکین و مترجمین
را هنمائی و یاریشان میداد. نه
تنها در آن روستا، که در روستا
های مجاور نیز تقریباً خانواده‌اش
نبود که "کاک موسی" را از
نزدیک شناسد و غم و درد خود را
با او در میان نگذاشته باشد.
- رفیق موسی در حربستان
مبارزات خود علیه رژیم شاه،
بهارها مورد تعقیب مزدوران
ساواک قرار گرفت و یک بار نیز
دستگیر گردید.
- در سال ۵۷ در آستانه قیام،
رفیق موسی در جریان تا سپس و
هدایت "جامعه" معلم مربوان
ور رهبری اعتراضات، نظارات و
اعتصابات مردم مربوان نقش
فعال داشت و در جریان نخستین

۱۴ - عزیز رحیمی

پیش عضو ح.ک.ا.

بیشمرگ انقلابی و آگاه کومه‌له که در تاریخ ۲۳ دیماه ۶۳ در جریان نبردی ۱۱ ساعته با نیروهای جمهوری اسلامی در ۱۲ کیلومتری شهرمهاباد جان باخت .

۱۵ - رحیم سلیمان زاده

(مدتی)

بیشمرگ پیشرو و آگاه کومه‌له که در تاریخ ۲۷ دیماه ۶۳ در جریان مقابله با نیروهای جمهوری اسلامی به روستای "برده‌وش" و "کاشی میران" از توابع شمال کردستان جان خود را از دست داد .

۱۶ - احمد محمدی

۱۷ - عبدالله بیرم

بیشمرگان جنور و آگاه کومه‌له که در تاریخ ۱۵ دیماه ۶۳ ضمن انجام یک مأموریت در جاده مهاباد - سردشت هدف آتش خمپاره‌اندازان جمهوری اسلامی قرار گرفته و جان باختند

حرکات و نظاهراتها پیشا هنگ
آنان بود .

پس از قیام ، انقلابیون مبارزو هواداران کومه‌له در شهر مریوان ، توانستند مرتجعین محلی را از سلطه سیاسی به زیر کشند و خود اداره امور شهر را بدست گیرند . در این رابطه بود که رفیق موسی همگام با این انقلابیون در تاسیس ستاد حفاظتی شهر مریوان ، شورای انقلاب شهر و تشکیل شوراهای روستا شسی فعالانه کوشید .

رفیق موسی در زمان قیام و خلق سلاح پایگاهها و مراکز نظامی ، همگام و پیشا هنگ نموده های مبارز مردم مریوان نمود . بعد از قیام نیز در مبارزه علیه مرتجعین محل ، مزدوران جمهوری اسلامی و مزدوران "قباده موقت" که در کار تجدید سازمان ارگان



های سرکوب نموده ، فعالانسه
شرکت کرد .

رفیق موسی به هنگام خروج
اعتراضی مردم شهر مریوان علیه جنگ افروزیهای جمهوری اسلامی ، در اوائل مردادماه ۵۸ ، مسئولیت یک واحد از بیشمرگان را در دفاع از شهر برعهده داشت . او بهنگام یورش رژیم در ۲۸ مرداد سال ۵۸ نیز همراه سایر رفقای همزمش

در صفوف بیشمرگان کومه‌له مقاومت و مبارزه مسلحانه را سازمان میداد و از بیشمرگان پیشا هنگ آن دوران بود .

پس از عقب نشینی اشغالگران جمهوری اسلامی که بر اثر مبارزات توده های مردم کردستان و ضربات بی امان بیشمرگان صورت گرفت ، بیشمرگان به شهر های کردستان و از جمله مریوان دست یافتند و رفیق موسی طی دوران آتش پس در مأموریتها و مسئولیت های مختلف تشکیلاتی فعال بود ؛ ایبراد دهها سخنرانی پر شور و روشنگر ، افشاء مرتجعین محلی و آگاه ساختن توده های مردم به منافع واقعی خود در روستاهای جنوب کردستان ؛

فرماندهی نظامی خلق سلاح یکی از مقرهای بزرگ مزدوران زرگاری؛ فرماندهی یک پیل از بیشمرگان در مقابله با یورش رژیم بسنه ناحیه ، کامیاران ، فرماندهی یکی از جبهه های مقاومت در شهر مریوان در برابر یورش دوباره اشغالگران در بهار ۵۹ ، از جمله مسئولیت های رفیق موسی در این دوره بود . پس از اشغال مریوان نیز رفیق موسی مسئولیت های نظیر مسئولیت نظامی و سیاسی پیل ، مسئولیت سیاسی هیز کساک فواد و عضویت در کمیته روستا شسی ناحیه مریوان را برعهده دار گردید . رفیق موسی در اثر پیگیری و کار رسانی هایش ، درک روشن و طبقاتی و دلسوزی و نفوذش در رابطه با توده ها در بهار سال ۶۰ پیش عضو تشکیلات شناخته شد و در زمستان سال ۶۱ به عضویت رسمی پذیرفته شد .

یادداشتی

رضاجوادی

نارگرمونیست و انقلابی گرامی باد



و مسائل مبارزاتی کارگران آشنا کرد. آرمان طبقه‌اش را شناخت و به آن عشق می ورزید؛ مبارزه برای رهایی را جزو زندگی‌اش ساخت و عملاً در این راه گام برداشت.

در یکی دو سال قبل از قیام با مسائل مبارزاتی آشنا شد،

ناپذیر بود، در تاریخ ۵ شهریور ماه ۶۳ در جریان ناگوار برای همیشه قلبش از طیش با زمانه و با مرگش انبوهی از کارگران و زحمتکشان و توده‌های مردم شهر و روستا های مریوان و سراسر کردستان را ماتمزه و اندوهگین نمود. وی که آخرین جمله‌اش زنده باد حزب کمونیست ایران بود خاطره‌ای بک زندگی ملو از صداقت و مبارزه و جسارت و عمل کمونیستی برای ما به یادگار گذاشت.

از زندگی پرثمرش بسیار موزیم و یاد عزیزش را گرامی بداریم.

رفیق رضاجوادی با نام تشکیلاتی جعفر کارگر زحمتکشی اهل بخنوبد بود. دوران کودکی‌اش را در یک خانواده زحمتکش در همان شهر گذراند. دوران جوانی‌اش را با تحمل فقر و تنگدستی و محرومیت‌های اجتماعی سپری کرد. وی زیر بار کارگران طاقت فرمای کار، استثمار نظام جور و ستم سرمایه‌داری را شناخت. دوران زندگی و محرومیت‌های اجتماعی‌اش به‌ویژه چندان امکان آموزش و تحصیل نداد. اما ذهن فعال و خلاق و کنجکاو داشت و همین وی را به درک مناسبات سرمایه‌داری

رفیق موسی در جریان تشکیل حزب کمونیست ایران و پیوستن کومه‌له به آن نیرو و توان تازه‌ای یافت، اعتماد بیشتر تشکیلات کومه‌له و اعضای حزبی را به خود جلب نمود و در انتخابات کمیته ناحیه در میان اعضای حزبی انتخاب و عضو کمیته ناحیه مریوان گردید. عضویت در کمیته ناحیه مریوان آخرین مسئولیت این هم‌رزم کمونیست و انقلابی بود.

این گادر مومن به حزب که در راه تحقق آرمان رهایی کارگران و زحمتکشان پیگیر و خستگی

در جریان قیام همراه چند رفیق دیگر کارگزاران حمله رفیق شهید منوچهر قلعه میان و آب (که او نیز بعداً به حزب کمونیست ایران پیوست) در محافل کارگری تهران حضوری یافت؛ رفیق جوادی و رفیقش در بسیج و سازماندهی کارگران نقش بسیار اثری ایفا نمودند.

نقش رفیق جوادی در تشکیل شورای کارخانه متوساک بسیار تعیین‌کننده بود. وی آنچنان اعتماد کارگران را جلب کرده بود که به عنوان یکی از نمایندگان این شورا انتخاب شد و در مقام نماینده این شورا در پیگیری و باجرا در آوردن نظرات کارگران و آگاه نمودن آنان نقش فعالی ایفا نمود. شورا با پشتیبانی و دخالت کارگران، کارخانه متوساک را برای مدتی از دست صاحبانش بیرون آورد و

نظارت و کنترل کارگران را بر آن اعمال نمود؛ حقوق کارگران را افزایش داد و بسیاری خواست‌های دیگر آنان را با دخالت فعال خودشان تأمین نمود. این شورا در راه اندازی شورا‌های کارخانه‌های همجوار خود بسیار فعال بود و در مدت عمر کوتاه خود، تا زمانی که پاسداران سرمایه و دولت آنرا با زور سر نیزه منحل نمودند، نقش ارزنده‌ای ایفا نمود.

چهره توده‌ای رفیق جعفر، بایبندیش به منافع کارگران و استواری و پایمردیش در

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

بقیه از صفحه ۴۵

را تسهیل و ممکن میکند. شوراها معنای سازمان بلافصل خود توده های استثمارشونده به آنان این امکان را میدهد که دولت خودشان را برپا دارند و اراده خود را اعمال کنند. در عین حال این شکل حکومتی است که به بهترین نحو میتواند اقلیت انگل جامعه، بورژواها و استثمار کنندگان را از حکومت دور کند و اهرم های قدرت دولتی را از آنان بازستاند. اما اکنون این سوال در مقابل ما قرار دارد: آیا شکل حکومت شورائی کافی است تا اعلام کنیم طبقه کارگر حاکمیت طبقاتی خود را اعمال میکند؟ آیا امکان ندارد اراده طبقات دیگری نیز از مجرای شوراها اعمال شود؟ پاسخ میدهم: چرا این امر ممکن است. شکل شورائی حکومت، گرچه به کارگران و توده های زحمتکش امکان اعمال اراده مستقیم می دهد، اما بخودی خود و لزوماً مانع از اعمال سیاست های بورژوائی و خرده بورژوائی نیست. حتی شوراها کارگری میتوانند محل این سیاستها باشند. پس آنچه دموکراسی شورائی را از دیکتاتوری پرولتاریا، یعنی حاکمیت یگانه طبقه کارگر، متمایز می کند سیاستی است که شوراها و به تبع آنها ارگانها و نهادها شئی که از بهم پیوستن شوراها تشکیل

میگردند، به پیش میبرند. دیکتاتوری پرولتاریا، آن حکومت شورائی است که اهداف، آرمانها و سیاست طبقاتی پرولتاریا را تعقیب و اتخاذ میکند. برای رسیدن به این هدف آگاه ساختن توده های کارگر به منافع مستقل طبقاتی خود در برابر تمام طبقات استثمارگر، هماهنگ و متشکل کردن اراده انقلابی طبقه کارگر و اعمال مستمر این اراده واحد طبقاتی بوسیله یک ستاد رهبری استوار و پیشرو امری ضروری و حیاتی است. این ستاد، حزب کمونیست طبقه کارگر است.

■ ■ ■

رفقای هسه "شهید ارزنگ" - رشت درباره "تاکتیک حزب کمونیست ایران در برابر جنبش های دهقانی" پرسیده اند.

در پاسخ رفاقا باید بگوئیم: بخشی از برنامه حزب کمونیست ایران شامل یک مقدمه و چهار ماده به برنامه ارضی و روش عمومی حزب کمونیست ایران در برخورد با جنبشهای دهقانی اختصاص یافته است. ما ضمن فراخواندن رفاقا به مطالعه دقیق این بخش از برنامه با آنان یادآور میشویم که در این برنامه چنین آمده است: "از جنبه های انقلابی و دموکراتیک جنبش دهقانی، منجمله از معادله ارضی توسط زحمتکشان روستا حمایت

می کنیم". چنانچه ملاحظه می کنید حزب کمونیست ایران مدافع هر "جنبش" دهقانی با هر مطالبه و هر روش سیاسی برای تحقق این مطالبات نیست. موضوع اصلی و عمومی حزب کمونیست یعنی "حمایت از جنبه های انقلابی و دموکراتیک جنبش دهقانی" روشن است. موضع تاکتیکی مشخص تر از این سطح مستلزم تحلیل و ارزیابی هر جنبش دهقانی مشخص و واقعاً جاری است. رفاقا برای درک عمیق تر مواضع ما نسبت به جنبش دهقانی و کلا تحلیل ما از مسأله ارضی در ایران، می توانند به جزوه "کمونیستها و جنبش دهقانی پس از حمله امپریالیستی مسأله ارضی در ایران" رجوع کنند.

■ ■ ■

رفیق ش. ش مرادپسوان پرسیده اند:

در برنامه حزب کمونیست ایران آزادی بدون قید و شرط عقید، بیان و تشکل مطرح می شود. آیا این آزادی ها در جمهوری دموکراتیک انقلابی برای بورژوازی هم در نظر گرفته میشود؟ اگر چنین است، چرا؟ ما به این سوال در جزوه "پوپولیسم در برنامه حداقل، فدائیان خلق چه می گویند؟" مشروحاً پاسخ گفته ایم و توجه رفیق را به این جزوه جلب می کنیم.

کارگران، به حزب کمونیست ایران پیوندید!

سنت پایداری در هر کارخانه و در هر جا که کارگران استعمار می شوند و علیه آن مبارزه میکنند نه تنها یک گام تعیین کننده در راه ارتقای مبارزات کمونیستی آنان محسوب میشود، بلکه اولین گام عملی در راستای ایجاد شوراهای است که با شدت یافتن مبارزه طبقاتی و آجگیری جنبش کارگری، میتوانند و باید بیثباتی، رگانهای قیام و تصرف قدرت سیاسی عمل کنند.

در باره بحث دوم سوال رفیق یعنی تفاوت بین "شورها" در جمهوری دموکراتیک انقلابی و رژیم سوسیالیستی "مختصرا باید بگوئیم: حکومت شورائی، شکل خردمندی انقلاب کارگران است که هر خلاف شکل حکومت بورژوازی، استعمارشنودگان را از کشورداری دور می کند بلکه شرکت فعالانه انبوه ترین توده های استعمارشنوده در این امر بقیه در صفحه ۴۴



پاسخ به نامه ها

تشکیل مجمع عمومی بعنوان گام مقدماتی در راه اعمال اراده و قدرت کارگران را نشان میدهد، در سوال رفیق عزت ملحوظ است. ضرورت و اهمیت تشکیل مجمع عمومی و جایگاه آن در وضعیت خارجینش کارگری در مقالات "سندیکالیسم در پوشش سرخ" (شماره های ۱۱ و ۱۲ کمونیست) و "تشکیل مجمع عمومی منظم، یک شعار کاملاً عملی است" (کمونیست شماره ۱۴) مورد بحث قرار گرفته است. ما توجه رفیق را به این مقالات جلب کرده و در اینجا به تاکید بر این نکته اکتفا میکنیم که تشکیل مجمع عمومی و تبدیل کردن آن به یک

رفیق عزت کرمانشاهی برسیده اند: چرا در مبارزات کارگران ایران، مجمع عمومی را مطرح می کنید؟ مجمع عمومی چه جایگاهی در مبارزات کارگران می تواند داشته باشد؟ بین شوراهای جمهوری دموکراتیک انقلابی و شوراهای که در رژیم سوسیالیستی است چه تفاوتی وجود دارد؟ رفیق عزت خود بطور ضمنی بین دو بخش سوال خود رابطه برقرار کرده اند. رابطه بین مجمع عمومی، شورا، حکومت شورائی، دیکتاتور پرولتاریا آن حلقاتی که ضرورت و مطلوبیت

کمونیست ارگان مرکزی حزب کمونیست ایران

ما هانه منتشر میشود

مبایات تحریریه:

حمید حقوانی
شمس زکریایی
رفا مقدم
عبدالله مهدی

کارگران جهان متحد شوید!

زفتای هوادار:

- با حزب ارتباط برقرار کنید.
- به حزب کمک مالی برسانید.
- برای حزب خبرنگاری کنید.
- حزب کمونیست را وسیعاً بشناسانید و نفوذ آنرا در میان مردم گسترش دهید.
- به فراخوانها و رهنمودهای عمومی نشریات و رادیوی حزب عمل کنید.
- فعالیت و عملکرد خود را منظم به حزب گزارش دهید.

مرگ بر سرمایه، مرگ بر امپریالیسم

توجه:

طول موجهای رادیو صدای حزب کمونیست ایران و رادیو صدای انقلاب از ۴۹ متر به ۷۵ متر تغییر یافته است.

باشنیه کمونیست
 صدای حزب کمونیست ایران مکاتبه کنید

اخبار، گزارشات، و نظرات خود را از هر طریق که مناسب میدانید به نشانی های زیر برای ما بفرستید:

- آدرس انگلستان

BM. BOX 3123
 LONDON WC 1N 3XX
 ENGLAND

- آدرس آلمان

POST FACH 501142
 50 00 KÖLN 50
 W. GERMANY

- آدرس ایتالیا

SH. I
 C.P. 1064
 10100 TORINO
 ITALY

لازم است از نوشتن اطلاعاتی که میتواند باعث شناسایی افراد و یا اماکن آنها از طرف پلیس شود، در نامه ها و روی پاکت ها خودداری کنید. همچنین بهتر است برای اطمینان بیشتر از رسیدن نامه ها بدست ما، از هر نامه حداقل دو نسخه بطور جداگانه ارسال کنید.

☆
صدای حزب کمونیست ایران

طول موجهای: ۷۵ متر و ۶۵ متر
 ساعات پخش: شنبه تا ۵ شنبه: ۹ بعد از ظهر و ۶:۴۵ صبح
 جمعه ها: ۸ صبح و ۹ بعد از ظهر

طول موجها و ساعات پخش صدای حزب کمونیست ایران را به اطلاع همه برسانید



طول موجهای:

صدای انقلاب ایران

۷۵ متر و ۶۵ متر

ساعات پخش: بعد از ظهر: ۱۲:۴۵ تا ۱۰:۳۰ بزبان کردی
 ۱۰:۳۰ تا ۲ بزبان فارسی
 عصر: ۶ تا ۶:۴۵ بزبان کردی
 ۶:۴۵ تا ۷:۱۵ بزبان فارسی

بر صورتی که با فعالین حزب ارتباط مستقیم ندارید، میتوانید کمکهای مالی خود را به حساب بانکی زیر در خارج کشور واریز کرده و یک نسخه از رسید بانکی را به یکی از آدرسهای علنی حزب ارسال نمائید.

ANDEESHEH (اندیشه)
 C/A 23233257
 NATIONAL WESTMINSTER BANK
 75 SHAFTSBURY AVENUE
 LONDON W1V8AT
 ENGLAND

زنده باد سوسیالیسم!